

ضيافت آيه‌ها

مبلغ و قرآن

ویژه‌نامه مبلغین ماه مبارک رمضان

رمضان المبارک ۱۴۴۴



- باشبهات تبلیغی چه کار کنیم؟
- مبلغ و سیر مطالعات تفسیری
- جایگاه فقه اللغه در مطالعات قرآن محور
- جلسه قرآن را چگونه برگزار کنیم؟

گروه تحقیق و پژوهش‌های اسلامی تحت اشراف دفتر آیت الله العظمی کریمی جهرمی

www.bustaneketab.com

بستانکتاب

سیمای رمضان

در صحیفه سجادیه

آیة الله العظمیٰ محمد علی

اللَّهُ حَمِيمٌ
الْحَمِيمُ الرَّزَّازُ

پاگیاہ اطلاع رسانی دستہ حضرت آیتہ اللہ العظمیٰ کریمی جہری رحمۃ اللہ علیہ

ویژه نامه ضیافت آیه‌ها

تهیه: گروه تحقیق و پژوهش های اسلامی
تحت اشراف دفتر آیت الله العظمی کریمی جهرمی
ویراستار: نرگس مروجی
صفحه آرا: داود دادور

گروه تحقیق و پژوهش های اسلامی
۰۲۵ - ۳۷۷۲۴۷۶۸

معارف رمضان

- منبر ۱ / صلوات و درخواست دعا در رمضان .. ۴
- منبر ۲ / از هدایت تا شرح صدر ۱۱
- با شبهات تبلیغی چه کار کنیم؟ ۱۴
- در رمضان از خدا چه و چگونه بخواهیم؟ ۱۸

پرونده مبلّغ و قرآن

- مبلّغ و سیر مطالعات تفسیری ۲۲
- مبلّغ، بایدها و نبایدهای ترجمه قرآن ۲۵
- آشنایی با چند ترجمه قرآن ۲۹
- جایگاه فقه اللغه در مطالعات قرآن محور ... ۳۲
- آشنایی با چند کتاب لغت ۳۵
- جلسه قرآن را چگونه برگزار کنیم؟ ۳۷



معارف رمضان

منبر ۲
از هدایت
تا شرح صدر

در رمضان
از خدا چه و چگونه
بخواهیم؟

منبر ۱
صلوات و درخواست
دعا در رمضان

باشبهات
تبلیغی
چه کار کنیم؟

منبراً

صلوات و درخواست دعا در رمضان

شرحی بر دعای ورود به ماه رمضان
امام سجاد علیه السلام

آیت الله العظمی کریمی جهرمی

۴



ماه منبر

پنجاه نامه ماه مبارک رمضان

یکی از آداب دعا این است که آدمی خواسته‌های خود را مقرون با درخواست درود و صلوات بر محمد و آل محمد از پروردگار متعال کند که این مقرونیت، موجب استجاب دعا خواهد شد. امام زین العابدین علیه السلام نیز در بخش دوم دعای ورود به ماه مبارک رمضان فرزهایی از دعای خویش را مقرون به ذکر شریف صلوات کرده و درخواست‌های ارزنده‌ای از خدای متعال نموده‌اند. در ادامه، چند درخواست امام سجاد علیه السلام را شرح و در توضیح آن مطالبی تقدیم می‌گردد.

صلوات و درخواست اعمال صالح

نماز

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَدْتَ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوَقَائِفِهَا الَّتِي وَطَّفَقْتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَفْتَ؛ بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل او و ما را در این ماه، بر اوقات نمازهای پنج‌گانه با احکام و شرایط آن، که محدود و معین کردی و ممیز ساختی و واجبات آن، که لازم شمردی و واجب گرداندی و وظایف آن، که مقرر داشتی و اوقات آن، که معین ساختی آگاه گردان.»

مواقیت، جمع میقات، به معنی وقت است. اکنون باید دانست فرق بین: «مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ» و «أَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَفْتَ» که در این قسمت از دعا ذکر شده، چیست؟

ممکن است گفته شود «مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ» به معنی اوقات نماز است ولی گاهی برای مکان نماز نیز استعاره آورده می‌شود.



بنابراین ممکن است «مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ» نظر به مکان‌های مناسب آن، مانند مساجد و مشاهد مشرفه داشته باشد ولی مقصود از «اوقات الصلاة» زمان‌های مناسب آن باشد که اوقات همواره به معنی زمان است.

همچنین امکان دارد که هر دو جمله درباره وقت نماز باشد، با این تفاوت که مواقیات نمازهای پنج‌گانه، نظر به اول وقت داشته باشد و اوقات آن، مربوط به نهایت و پایان آن باشد و از مردم خواسته شده که اگر از اولی محروم گردیدند و موفق به نماز اول وقت نشدند، در وقت دوم که پایان و آخر وقت است انجام دهند.

راجع به حدود نماز و واجبات و وظایف آن، این مطلب، قابل توجه است که شهید اول که از بزرگ‌ترین نوابع و فقهای شیعه به‌شمار می‌روند کتابی به نام «الفیه» دارند که مشتمل بر هزار واجب مربوط به نماز است و کتاب دیگری بعداً تألیف کردند به نام «نفلیه» که مربوط به مستحبات نماز است.^۱ گفته شده که کتاب نفلیه با کمی حجم، سه هزار مطلب استجابی راجع به نماز را دربردارد.^۲

شیخ کلینی (رحمة الله علیه) از حماد بن عیسی نقل کرده که امام صادق (علیه‌الاسلام) فرمود: «برای نماز چهار هزار حد است و در روایت دیگری چهار هزار باب می‌باشد».^۳

مرحوم فیض کاشانی (رحمة الله علیه) می‌گوید: بعضی در توجیه این عدد (چهار هزار حد) گفته‌اند: واجبات، هزار عدد و نوافل نیز هزار عدد [است]، چنان‌که شیخ شهید حساب کرده است و برای فرایض، اضدادی است؛ یعنی ترک این واجبات که البته حرام می‌باشند. و نیز برای نوافل اضدادی

است؛ یعنی ترک این مستحبات و آنها مکروه می‌باشند. (پس هزار عدد مربوط به ترک واجبات هزارگانه است که خود حرام می‌باشند و هزار عدد مربوط به ترک هریک از مستحبات هزارگانه است که مکروه می‌باشند)

مرحوم فیض دو اشکال بر این بیان وارد می‌کند: یکی اینکه یک چیز را دو مرتبه، یک بار به اعتبار انجام آن و دیگر بار به اعتبار ترک آن حساب نمی‌کنند و دیگر اینکه خود آن دو هزار حد هم که شهید در الفیه و نفلیه ترتیب داده‌اند، با مشقت می‌توان درست کرد.

آنگاه می‌گویند صحیح این است که از چیزی که عدد آن کثیر است، به عدد هزار به‌طور شایع تعبیر می‌کنند و همان‌گونه که برای نماز، واجبات و مستحباتی است، برای آن، محرمات و مکروهاتی است غیر از اضداد آن فرایض و نوافل. و این واجبات و مستحبات و محرمات و مکروهات، حدود و ابواب نمازند، پس برای نماز، چهار هزار حد است، زیرا هریک از این چهار، مشتمل بر امور بسیاری می‌باشند.^۴

«وَأُنزِلْنَا فِيهَا مَنزِلَةَ الْمُصِيبِينَ مَنَازِلَهَا،
الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمَوَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى
مَا سَأَلَهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ -
فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَتَمِّ
الظُّهُورِ وَأَسْبَغِهِ، وَأَبْيَنِ الْخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ؛ وَ مَا رَأَى
دِرْبَارَهُ مِنْ نَمَازِهَا، فِي جَايْغَاهُ أَنْ يَفْرُدَ أَوْرَهُ
بِهِ مَوْقِعِيَّةً وَبِئْرَهُ أَنْ يَرْسِيدهُ وَدَسْتُ يَافِتِهَ أَنْ يَدَّ
أَنَانَهُ كَمَا مَرَقَبْتُ بَرَّكَانِ نَمَازِهِ كَرْدَهُ وَ أَنْ رَأَى
أَوْقَاتِ مَخْصُوصِ بِيهِ هَمَانِ شِيوَهَائِهِ كَمَا بَنَدَهُ
تَوَوُّفِ فَرَسْتَادِهِاتِ - حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ ﷺ -



نماز، معراج مؤمن و بال نیرومندی برای پرواز به عالم بالا و جهان ملکوت است که او را از این جهان ماده، متصل به ابدیت می‌کند و به مقام قرب حق می‌رساند.

باید سنت‌های سنتیه پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درباره نماز مراعات کرد و آداب عالی و حکیمانه‌ای که آن بزرگوار به مقتضای حکمت‌های بالغه، در رکوع و سجود و دیگر اجزای آن قرار داده است، مویه‌مو انجام داد و به آنها اهتمام داشت. از جمله این آداب، بلند کردن دست‌ها تا محاذی گوش‌ها به هنگام گفتن تکبیر است و نیز مستحب است که در رکوع سر را به جلو بکشند. و آداب دیگر که در کتب فقهی و اخلاقی ذکر شده است.

باید نماز را با طهارت کامل انجام داد، طهارت شرط نماز است و نماز بدون آن باطل است. از این رو باید کوشش کرد که وضو را صحیح و کامل و خالی از هر گونه نقصانی انجام داد و با طهارت کامل در بارگاه حضرت حق حضور پیدا کرد. باید نماز را با خضوع و خشوع هر چه تمام‌تر انجام داد و با توجه مخصوص و احساس شکستگی در برابر خدا، مشغول نماز شد. آن نماز تو نماز است که در وقت قیام دست برداشتن از سر دنیا باشد

رعایت حقوق مردم

«وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصْلَ أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ، وَأَنَّ نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْصَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنَّ نُخْلِصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَأَنَّ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الرُّكُوتِ، وَأَنَّ تُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرْنَا، وَأَنَّ تُنْصَفَ مَنْ ظَلَمْنَا، وَأَنَّ نُسْأَلِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَا مَنْ عُوْدِي فِيكَ وَلَكَ، فَإِنَّهُ الْعُدْرُ الَّذِي لَا تُؤَالِيهِ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا تُصَافِيهِ؛ و ما را در این ماه، موفق بدار که با احسان و نیکی، با خویشان خود پیوند کرده و به همسایگان، با جود و عطا رسیدگی کنیم و اموال خود را از

قرار داده، در رکوع و سجود و همه آداب برجسته آن با کامل‌ترین طهارت و آشکارترین و رساترین خشوع و فروتنی ادا کردند.»

این چند جمله مانند جمله پیشین، راجع به نماز است و چند مطلب مهم درباره نماز به صورت دعا و درخواست در اینجا یادآور شده است:

باید موقعیت عظیم نماز را درک کرد و به جایگاه ویژه و مقام والای آن توجه داشت و پی برد. باید نمازگزار به این معنی برسد و لمس کند که نماز، راز گفتن با خدا و کانال ارتباط بین بندگان و ذات لایزال الهی است.

نماز، خلوت با خداوند و داخل شدن در حریم معبود و انس گرفتن با پروردگار بزرگ است.

نماز، معراج مؤمن و بال نیرومندی برای پرواز به عالم بالا و جهان ملکوت است که او را از این جهان ماده، متصل به ابدیت می‌کند و به مقام قرب حق می‌رساند. بنابراین نمازگزار باید بکوشد که نماز را از این زوایای مختلف بشناسد و به مزایا و جایگاه‌های رفیع نماز دست یابد.

باید ارکان و پایه‌های اصلی نماز را حفاظت کرد.

ارکان نماز، واجباتی هستند که نقش اصلی در نماز دارند و اخلاص در آنها به هر شکلی که باشد نماز را باطل می‌کند و آنها عبارتند از:

نیت، تکبیر، الاحرام، قیام، رکوع و سجود.

باید نماز را در اوقات مقرر انجام داد، مسلمان باید مواظب وقت نماز باشد و برای انجام کارهای دیگر، نماز را از وقت آن به تأخیر نیندازد. بی‌مبالاتی راجع به اوقات نماز، اهانت به نماز است و بی‌تفاوت بودن نسبت به داخل وقت و خارج وقت، کوچک شمردن پایگاه رفیع آن به‌شمار می‌رود.



گاهی مال، مخلوط به آلودگی‌ها می‌گردد، حقوق بندگان خدا و طبقات مستمند در آن داخل می‌شود. باید در ماه رمضان که ماه تطهیر روزه‌دار است، اموال او نیز با دادن زکات و پرداختن حقوق واجب، از آلودگی پاک گردد.

بعضی پی‌آمدهای خطرناک مال عبارتند از:

الف. طغیان و سرکشی؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٌ مُّغْبِطٌ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى؛ ۵ انسان به مجرد آنکه خویشتر را بی‌نیاز دید، راه طغیان پیش می‌گیرد.»

ب. غلط‌اندیشی؛ چنانکه قارون، آن پول‌دار بی‌عار، توجیه غلطی برای کارهای نادرستش داشت و می‌گفت: «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَيَّ عِلْمٍ عِنْدِي؛ ۶ این ثروت فراوان را من به دلیل دانش و کمالات خود به دست آورده‌ام و این شایستگی من است که مرا بدین جا رسانده است.»

ج. غفلت و آلودگی به گناه و فساد؛ که مالداران دچار آن می‌شوند.

د. اسراف و تبذیر و خرج‌های بی‌حساب و کتاب؛ هـ. فخرفروشی و خودبینی و نفوق جویسی بر دیگران؛

و. آه و نفرین مستمندان؛ آنان که حقوق‌شان در اموال این ثروت‌مند خوابیده و به دست آن مالدار منحرف ضایع شده است.

ز. پاک کردن مال از آلودگی‌ها.

گاهی مال، مخلوط به آلودگی‌ها می‌گردد، حقوق بندگان خدا و طبقات مستمند در آن داخل می‌شود. باید در ماه رمضان که ماه تطهیر روزه‌دار است، اموال او نیز با دادن زکات و پرداختن حقوق واجب، از آلودگی پاک گردد.

البته موضوع زکات ذکر شده، ولی هدف، همه حقوق واجب الهی است که خداوند در این اموال، قرار داده است.

جمله محل بحث، ناظر به آیه کریمه است که خداوند می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً

پیامدها خالص گردانده و آن را با ادای زکات، حقوق واجب، پاک‌سازیم و نیز توفیقی عطا کن که روی آوریم به کسی که از ما دوری می‌کند و با انصاف رفتار کنیم درباره کسی که به ما ظلم کرده و با کسی که با ما دشمنی می‌کند مدارا کنیم جز آنکه در راه تو و برای تو مورد دشمنی است که او عدوی است که ما با او دوستی و آشتی نخواهیم کرد و حزبی است که ما با آن یک دل و جان نخواهیم شد.»

در این بخش، برنامه ماه مبارک رمضان را شرح می‌دهند و به شکل نیایش، روزه‌داران را به سمت این خطوط رشد و سعادت فرامی‌خوانند و هدایت می‌کنند. مواردی که در این بخش از دعا بیان شده، از این قرار است:

طلب توفیق برای صلۀ ارحام و اتصال و همدلی با نزدیکان.

یکی از برنامه‌های پربار رمضان، احسان و نیکوکاری درباره خویشاوندان است. روزه‌دار باید در این ماه شریف، کوشش کند که با احسان کردن به خویشاوندان، روابط صمیمانه را با آنان محکم سازد و رشته قرابت را تقویت کند.

رسیدگی به همسایگان

روزه‌دار باید در این ماه شریف به یاد همسایگان خود باشد و با کمک‌های بی‌دریغ، رابطه هم‌جواری خویش را با آنان نیرومند سازد.

مرتفع ساختن پی‌آمدهای نامطلوب در مال؛ مال، پی‌آمدهای خطرناکی به دنبال خود می‌آورد، در این ماه شریف باید مال را از تبعات و آثار بد آن پاک کرد.





رفتار منصفانه درباره کسی که به ما ظلم کرده است

راستی چقدر مشکل است که انسان قدرت داشته باشد و بر کسی که از او ظلم دیده، دست بیابد و از محدوده انصاف نسبت به او پافراتر نگذارد و در حد احقاق حق خود قانع باشد.

این صفت، نشانه کمال انسانی و علامت اوج بزرگی و رشد اخلاقی اوست. خداوند می فرماید: «فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ؛^۸ پس هرکس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایبندگان است.»

کسی که به شما ظلم کرد، شما در مقام انتقام به همان مقدار، ظلم بر او روا دارید و تقوای خدا را پیشه کنید.

رفتار مسالمت آمیز با دشمن خویش

بر حسب جریان متعارف، اندک دشمنی اشخاص با ما کافی است که ما هم با آنان دشمن شویم و خصمانه برخورد کنیم. اشخاصی که با دشمنان

تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ؛^۷ از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاك و پاکیزه شان سازی.»

ای پیامبر صدقات اموال مؤمنان را از آنان دریافت کن تا بدین وسیله، نفوس آنان را—از پلیدی و حب دنیا— پاک سازی.

با این تفاوت که آیه کریمه، تطهیر خود آنان را می گوید و امام علیه السلام در این دعای شریف، از تطهیر مال سخن می گویند.

تطهیر نفس مال دار، همراه با تطهیر مال اوست و هر زمانی که حقوق واجب الهی را ادا کرد، هم نفس او تطهیر شده شده و هم مال او پاک گردیده است.

روی آوردن به کسی که از ما روی برتافته و از ما دوری می گزیند

این صفت، رمز تملک نفس و نشانه تسلط انسان بر خویش است و به همین دلیل کمتر انسانی موفق به وصول به این مقام عالی می شود، تنها کسانی بدین مرتبه می رسند که ریاضیت کشیده و نفس آنان مهار شده باشد. آنانی که امیر نفسند، نه اسیر نفس.



ماه معین

روزه نامه ماه مبارک رمضان

باید متعبدان رمضان بدانند که در کنار آنان، صفوف فرشتگان به عبادت خدا مشغولند و به گفته قرآن، آنان از عبادت خستگی ندارند و با توجه به این مطلب کوشش کنند که از آن گروه در این مسابقه عقب نمانند، بلکه تلاش کنند تا پیشگام باشند

قرب الهی

«وَأَنْ تَتَّقِرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الرَّائِيَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَتَعَصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ؛ خداوندا از تو می‌خواهم که در این ماه، توفیق تقرب به درگاهت را از رهگذر اعمال پاک به ما عطا کنی، آن چنان اعمالی که ما را به برکت آن از آلودگی گناهان پاک کرده و ما را در این ماه از اینکه عیوب و بدی‌ها را از سر بگیریم، نگه داری.»

جمله مذکور می‌تواند اشاره به این مطلب باشد که اصلی‌ترین وسیله تقرب به درگاه الهی در ماه مبارک رمضان، پاک شدن از آلودگی گناهان و انجام اعمال صالح است.

چنان‌که در روایت مشهوری که راجع به خطبه پیامبر خاتم (صلی الله علیه وآله) در افتتاح ماه رمضان وارد شده، می‌خوانیم که حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: من برخاستم و عرض کردم: «مَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بهترین اعمال در این ماه چیست؟ پیامبر فرمود: دوری از محرمات الهی.»

«حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا

خود رفتار مسالمت‌آمیز دارند انسان‌های استثنایی‌اند که بندهای اسارت نفس را پاره و خود را آزاد کرده‌اند و عادات ناپسند را از خود دور ساخته و به اصول اصیل انسانیت دست یافته‌اند.

بادشمنان خدا، قاطعانه برخورد کردن

در جملات قبل، از رفتار مسالمت‌آمیز سخن گفتند، اما در جمله «حَاشَا مَنْ عُوْدِي فِيكَ وَ لَكَ فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ وَ الْجِرْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ» یک استثنای انقلابی می‌کنند که آنچه درخواست کردم، راجع به دشمنان خدا نیست، آنانی که دشمن خدا و راه او باشند با آنان سر دوستی نداریم و با آنان هم‌آهنگ نخواهیم شد.

آری خداوند ما را از سازش با دشمنان حق، نهی کرده است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ؛ ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود نگیرید.» و معقول نیست که از خداوند متعال چیزی را درخواست کنیم که او خود سخت ما را از آن نهی فرموده است.





بندگی خدا نمایند و هیچ عمل خداپسندانه‌ای که در توان داشته باشند را از دست ندهند و رها نکنند و در ماه رمضان، گوی سبقت را از فرشتگان عبادت ببرند. و خلاصه باید متعبدان رمضان بدانند که در کنار آنان، صفوف فرشتگان به عبادت خدا مشغولند و به گفته قرآن، آنان از عبادت خستگی ندارند و باتوجه به این مطلب کوشش کنند که از آن گروه در این مسابقه عقب نمانند، بلکه تلاش کنند تا پیشگام باشند.

پی‌نوشت‌ها:

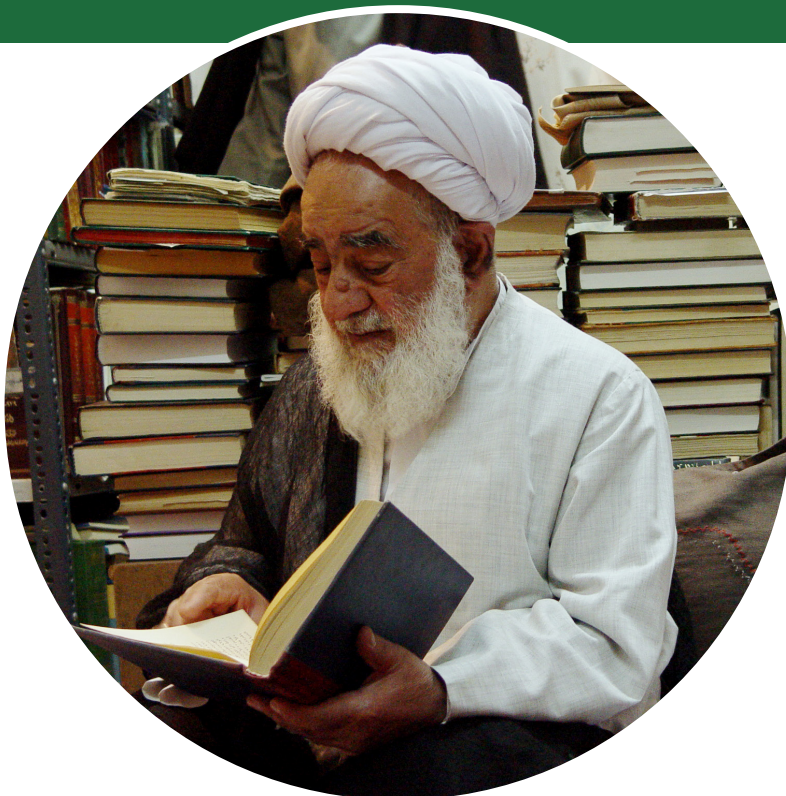
۱. الذریعة، ج ۲، ص ۲۹۶.
۲. مقدمة الفیة و نفلیه، ص ۳۱.
۳. کافی، ج ۳، ص ۲۷۲.
۴. الوافی، ج ۲، باب الصلاة، ص ۱۲۵.
۵. علق: آیه ۶ و ۷.
۶. قصص: آیه ۷۸.
۷. توبه: آیه ۱۰۳.
۸. بقره: آیه ۱۹۴.
۹. ممتحنه: آیه ۱.
۱۰. شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۲۰، ص ۹۵ و عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۷.

تُورِدُ مِنْ أَيْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَىٰ إِلَيْكَ؛ [به اعمال صالح روی آوریم] تا جایی که احدی از فرشتگان وارد نکرده و ارائه نمایند بر تو مگر کمتر از عبادات و اطاعات و وسایل قربی که ما به درگاه تو فرود می‌آوریم.»

اوج سعه صدر و بلندنظری حضرت امام زین‌العابدین را در این جملات احساس می‌کنیم و قهراً ما را هم به همین اعتلای روحی و دید وسیع فرامی‌خوانند.

آری! مفاد جمله مذکور این است که باید در این ماه چنان کرد که بر بندگان صالح خدا و حتی بر فرشتگان سبقت گرفت، به طوری که اعمال صالح و حسنات انسان از اعمال صالح و حسنات فرشتگان، که مظاهر عبودیت و عناصر خستگی‌ناپذیر از بندگی خدایند، بیشتر باشد.

کاروان رمضان نباید کوتاه‌نظر باشند و به عبادت اندک اکتفا کنند و خویشتن را به روزه روزها و نمازهای واجب آن قانع گردانند، بلکه باید دامن همت به کمر زده و حرکت جدی و سریع به سوی الله تعالی آغاز کنند؛ شب و روز خود را مستغرق در



منبراً

از هدایت تا شرح صدر

هدایت چگونه موجب شرح صدر می شود

مرحوم آیت الله حسین شبزنده دار



ماه منبر — ویژه نامه ماه مبارک رمضان

اضلال ابتدایی برای خداوند محال است، یعنی نمی‌شود خداوند به جای اینکه راه را نشان دهد، فرد را گمراه کند، چون این ظلم در حق بندگان است

قال الله تبارک و تعالی:

**فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ
وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا**

پس کسی را که خدا بخواهد، هدایت نماید دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می‌گرداند.

هدایت، یکی از نعمت‌هایی است که خداوند به بشر ارزانی کرده است. در آیه فوق آمده که خداوند هر کسی را که اراده کند، هدایت می‌کند و روحش را برای اسلام وسعت می‌بخشد.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که مگر کسی هست که خدا نخواهد او را هدایت کند؟ یا آیا هدایت خدا مخصوص افراد خاصی است؟ باید گفت که هدایت دو نوع است؛ یکی ارائه و نشان دادن طریق که این هدایت برای همه است. در آیه ۱۷ سوره فصلت آمده است:

وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ

قوم تمود را هدایت کردیم.

بدیهی است که مراد از این هدایت، همان ارائه طریق است که خداوند با فرستادن رسول و راهنما این هدایت را صورت می‌دهد. این هدایت بر خداوند لازم است تا راه صحیح را به بشر نشان دهد. هدایت دوم، مخصوص مردمی است که به اختیار خود هدایت اول را پذیرفته و در مسیر انسانیت قرار گرفته‌اند و خداوند نیز دستگیری‌های مخصوصی برای این افراد دارد؛ چنان‌که در آیه ۷۶ سوره مریم آمده است:

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى

و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند، بر هدایتشان می‌افزاید.

اهتداء یعنی کسی که به اختیار خودش در راه کمال قرار گرفته است. لذا می‌فرماید: افرادی که راهنمایی ابتدایی را پذیرفته‌اند، خداوند نور خاصی به آنها داده و مرتبه هدایت آنها را افزایش می‌دهد. بنابراین دانسته می‌شود که هرگز خداوند خواهان گمراهی افراد نیست؛ بلکه خود آن افراد استعداد هدایت و کمال را به دست نمی‌آورند؛ چه اینکه در ادامه آیه ۱۲۵ سوره انعام آمده:

وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا

و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می‌گرداند.

اضلال ابتدایی برای خداوند محال است، یعنی نمی‌شود خداوند به جای اینکه راه را نشان دهد، فرد را گمراه کند، چون این ظلم در حق بندگان است؛ در حالی که:

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

و خدا به بندگان خود بیدادگر نیست.

بنابراین افرادی که نمی‌خواهند هدایت شوند و با وجود پیامبران و علمای حقیقی، دست از اعمال بد نمی‌کشند و مصداق این آیه هستند:

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا

در دل هایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود.

خداوند آنها را طوری قرار می‌دهد که بیماری‌های درونی‌شان مانع کمال آنها شود و وقتی فرد نمی‌خواهد هدایت شود، خداوند او را به حال خود وامی‌گذارد. خداوند روح چنین فردی را تنگ و در حرج قرار می‌دهد: «يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا».

حرج بالاتر از ضیق است.

ضیق یعنی هدایت برای فرد سخت و دشوار





نهراسیدن از مرگ، یکی از نشانه‌های شرح صدر

از حضرت علی (علیه السلام) سؤال شد که چطور برای مرگ آماده شویم؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَالْإِسْتِمَالُ عَلَى الْمَكَارِمِ»؛ اول باید واجبات را انجام دهد و دیگر اینکه محرمات را ترک نماید و سوم، به صفات نیکو متخلق شود. در ادامه حضرت فرمودند: «ثُمَّ لَا يُبَالِي أَنْ وَقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَوْ الْمَوْتُ وَقَعَ عَلَيْهِ»؛ فردی که صاحب شرح صدر است، باکی ندارد که مرگ برایش پیش بیاید یا او به طرف مرگ رود و از خدا طلب مرگ کند. سپس فرمودند: «وَاللَّهِ لَا يُبَالِي ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ وَقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَوْ الْمَوْتُ وَقَعَ عَلَيْهِ»؛^۱ قسم به خدا که برای پسر ابوطالب باکی نیست که مرگ به طرف او بیاید یا او به طرف مرگ برود.

بدیهی است شخصی مثل حضرت علی عليه السلام که عالی‌ترین شاگرد رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، همیشه آماده مرگ است؛ چون انجام واجبات و ترک محرمات داشته و به تمام مکارم اخلاق متخلق بوده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. انعام: ۱۲۵.
۲. حج: ۱۰.
۳. بقره: ۱۰.
۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۶۱.
۵. بحار الانوار، ج ۴، ص ۷.

می‌شود و البته در این حالت ممکن است برخی عنایات‌های خدا شامل بندگان گمراه شود، ولی حالت «حرج» طوری است که راه هدایت به روی بنده بسته می‌شود و دیگر هیچ موعظه‌ای در آن فرد اثر نمی‌کند. این اضلال، عقوبت و مجازاتی است که نتیجه اعمال و رفتار خود فرد است.

شرح صدر و نشانه‌های آن

درباره شرح صدر که طبق آیه، خداوند به هدایت‌شوندگان می‌دهد، مرحوم طبرسی حدیثی را ذیل همین آیه شریفه نقل کرده‌اند که وقتی این آیه نازل شد، از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤال شد که مراد از شرح صدر چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ فَيَشْرَحُ صَدْرَهُ وَيُفْسِحُ»؛ خدا نوری را در قلب مؤمن قرار می‌دهد و قلب او را وسعت می‌بخشد. اصحاب پرسیدند: آیا چنین حالتی نشانه‌ای هم دارد؟ حضرت فرمودند: «نَعَمْ، التَّجَافِي عَنِ الدَّارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالِاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ تَرْوِيلِهِ»؛^۲ نشانه شرح در انسان این است که فکرش متوجه زندگی در آخرت است و از دنیا اعراض کرده و خودش را از خانه غرور کنار کشیده و به امر دنیا حریص نیست و قبل از موت، خودش را آماده مرگ کرده است. پس بدانید کسی که این حالات را دارد، خداوند از او دستگیری نموده است.





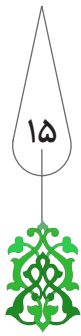
باشبهات تبلیغی چه کار کنیم؟

انواع شبهه، لوازم و گام‌های پاسخگویی

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا محمدی شاهرودی | استاد حوزه و دانشگاه

یکی از نیازهایی که یک روحانی به‌عنوان مبلغ دین در محیط تبلیغی و حتی در زندگی با مردم دارد، تجهیز شدن به علم دینی با توجه به اقتضائات روز و داشتن اطلاعات کافی جهت پاسخگویی به سؤالات و شبهاتی است که در معرض آنها قرار می‌گیرد. سؤال از سوی مردم است، اما بیشتر شبهاتی را که ایجاد می‌شود، دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در جامعه مسلمانان ایجاد می‌کنند. دشمنان، شبهه را شناسایی می‌کنند و سپس جامعه را به وسیله ابزار رسانه، در لباسی نو و بیانی جدید، درگیر شبهات اعتقادی و دینی و ... می‌نمایند.





ائمه جماعات شیعه این‌گونه نیستند و حتی الآن نیز که نظام اسلامی است، به مراکز قدرت وابسته نیستند.

● ۵. شبهه محوری بعدی که دشمن بر آن دست گذاشته است، موضوع خانواده است. خانواده در غرب فروریخته است و می‌خواهند بنیان آن را در کشور ما هم سست نمایند. تا وقتی که خانواده استحکام و قداست داشته باشد، آنها به جایی نمی‌رسند.

● ۶. شبهه بعدی، مسئله خمس است. در روایات ما از خمس به عنوان «وجه الاماره» یاد شده؛ یعنی آن درآمدی که حاکم [به وسیله آن] می‌تواند جامعه را اداره کند. این موارد از جمله محورهایی است که مبلغ دین در مورد آنها مورد سؤال قرار می‌گیرد.

لوازم پاسخگویی به شبهات

برای پاسخگویی به شبهات لوازمی نیاز است که آنها را باید داشته باشیم.

- ۱. داشتن معلومات در زمینه‌های مختلف لازم است. برای این امر، پیوسته باید شبهات را داخل و خارج رصد کنید. شما باید شبهات را کاملاً بشناسید و تشخیص دهید و بر آنها مسلط شوید. برای هر شبهه، چهار پنج جواب داشته باشیم که هر کدامشان به تنهایی شبهه را دفع می‌کند. مثلاً اگر می‌خواهید به شبهات اعتقادی پاسخ بدهید، حتماً باید اطلاعات لازم را نسبت به باورهای خودمان و حتی باورهای دیگران داشته باشیم.
- ۲. با روش‌های پاسخگویی به شبهه،

معمولاً یک مبلغ دین در عرصه تبلیغ با چند دسته شبهه مواجه می‌شود:

● ۱. بخش قابل توجهی از شبهات در مورد امام حسین (علیه السلام) و عزاداری‌هاست. دلیلش این است که معاندان فهمیده‌اند عزاداری‌ها تا چه اندازه توطئه‌های آنان را خنثی می‌کند.

● ۲. بخش دیگری از شبهات درباره امام زمان و مهدویت است. یکی از فرماندهان یهودی می‌گفت دین اسلام و مذهب شیعه دو بال دارد: یک بال سرخ و یک بال سبز؛ بال سرخش، امام حسین (علیه السلام) است، بال سبزش، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. اگر این دو بال را از آنها بگیریم نمی‌توانند هیچ کاری انجام دهند.

● ۳. سومین دسته از شبهات در مورد علما و مراجع تقلید و ولایت عامه است. دشمن به این مورد خیلی حمله می‌کند، هم در ذهن مردم، هم در ذهن حوزوی‌ها و هم در ذهن دانشگاهی‌ها شبهه ایجاد می‌کند.

● ۴. محور بعدی که مرتب در مورد آن شبهه ایجاد می‌کنند، بحث روحانیت شیعه است. روحانیت شیعه برخلاف سایر فرق، وابسته به مراکز قدرت نیست. در جاهای دیگر، روحانی یک کارمند دولت است یا به مراکز قدرت وابسته است، حقوق بگیر دولت است، دولت تأییدش می‌کند. در برخی کشورهای مسلمان، به تابلو اعلانات مسجد زدند که این امام جماعت از طرف دولت است و حقوق می‌گیرد و دستورات دولت را اجرا می‌کند. اما

باید شبهات را کاملاً بشناسید و تشخیص دهید و بر آنها مسلط شوید. برای هر شبهه، چهار پنج جواب داشته باشیم که هر کدامشان به تنهایی شبهه را دفع می‌کند

گام‌های پاسخگویی به شبهات

ما پاسخ به شبهه را یک پروژه کاملاً پژوهشی و تحلیلی می‌دانیم؛ یعنی از بنده بپرسند فرق پاسخ به یک شبهه با یک پایان نامه سطح چهار یا دکتری چیست، می‌گویم از لحاظ ماهیت و مراحل و مراتب فرقی ندارد، فقط پایان نامه دویست صفحه است و پاسخ پژوهشی به یک شبهه ممکن است دو سه صفحه باشد. برای پاسخ گفتن به یک شبهه، چهار گام باید برداشته بشود:

۱. تبیین و تعریف و شرح و تحلیل موضوع و تحریر محل نزاع که گام بلندی است. نیاز است مبلغین بتوانند بسیاری از شبهات را خوب معنا و تعریف کنند. من یک مثال می‌زنم، ما الآن شبهات زیادی درباره عصمت انبیا و پیامبران و امامان داریم. قرآن در مورد حضرت آدم فرموده: «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى؛ ۱» و [این‌گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت» و در مورد انبیای دیگر هم مواردی را بیان نموده است. یک مبلغ باید معنای لغوی و اصطلاحی عصمت را بداند و خوب تعریف کند و معنای گناه را هم بداند و انجام حرام یا ترک واجب را بتواند تعریف کند و مصادیقش را بداند. آن‌گاه سراغ قرآن و حدیث بروند و با فهم دقیق متوجه خواهد شد که هیچ‌کدام از این موارد، خلاف عصمت نیست، بلکه یا ترک اولی است یا مثلاً انجام مباح یا ترک مباح است، یا انجام مستحب یا ترک مستحب است و... اما هرگز اقدام به حرام یا ترک واجب نیست.
۲. گام دوم، طرح فندانسیون یا اسکلت

آشنایی داشته باشید. ما منابع بسیار عالی داریم که در دنیا نظیر ندارد. شما ببینید کل صحاح سته حدود پانزده هزار حدیث می‌شود. فقط کتاب کافی ما شیعیان بیش از شانزده هزار حدیث دارد. وسائل الشیعه ما ۳۵۸۵۰ حدیث دارد. این سرمایه و این میراث فرهنگی در دنیا نظیر ندارد، منتها ما نتوانستیم از این سرمایه‌ها، مواد خام لازم را استحصال کنیم و از این بدتر نتوانستیم با روش مناسب و با مهارت لازم این‌ها را تحویل مردم بدهیم. شما اگر بهترین و مرغوب‌ترین مواد اولیه مانند برنج و روغن و گوشت را تحویل کسی که آشپز نیست بدهید، غذایی تهیه می‌کند که گاهی قابل خوردن نیست. بدون تعارف، اکثر ما در امر پاسخگویی به سؤالات و شبهات بلد نیستیم از پارچه مرغوب، لباس مناسب و از مواد مرغوب، آشپزی خوبی داشته باشیم. خود استحصال هم، بحث بسیار مهمی است.- ۳. سومین لازمه پاسخگویی به شبهات، تمرین و ممارست است. طلاب و مبلغین باید کار کنند، مطالعه و مباحثه کنند و بین خودشان، شبهات را مطرح کنند و پاسخ بگویند و تمرین کنند. تا تمرین نکنند، به جایی نمی‌رسند.
- ۴. لازمه بعدی، تقویت شمه پاسخگویی، سرعت انتقال، خوش فهمی و خوش درکی شبهه است و در یک کلام مجموعه‌ای است که از آن به نام شمه پاسخگویی یاد می‌کنیم.

این چهار مورد لازمه پاسخگویی است و پاسخگو باید این‌ها را داشته باشد.



مبلغین محترم توجه داشته باشند که
هیچ‌گاه خودشان شبهه را مطرح نکنند،
زیرا شبهه، ویران کردن و خراب کردن ذهن
است. خراب کردن، کاری ندارد. هر آدم
بی‌سواد و بی‌تخصصی به راحتی می‌تواند یک
ساختمان را خراب کند



چرا مطرح می‌شوند، ما در مواجهه چگونه عمل کنیم. اگر اطلاعات تان کافی باشد، فکر می‌کنم بشود خیلی راحت پاسخ شبهات را داد. نکته بعد اینکه اگر نتوانستید شبهه‌ای را جواب بدهید، مانعی ندارد. قرار نیست همه شبهات را شما پاسخ بدهید، بلکه گاهی آنان را به مراکز پاسخگویی متصل کنید، به کارشناس‌هایی که در امر پاسخگویی، تخصص دارند.

پاسخ است. طرح پاسخ در کارهای پژوهشی این‌گونه است که اگر طرح شما را قبول کنند یک سوم هزینه را فوراً به شما می‌دهند؛ یعنی با طرح، یک سوم راه را رفتید.

- ۳. گام سوم، جمع‌آوری اطلاعات و معلومات و داده‌ها است.
- ۴. و گام چهارم، دفاع از پاسخ است.

انواع پاسخ به شبهه

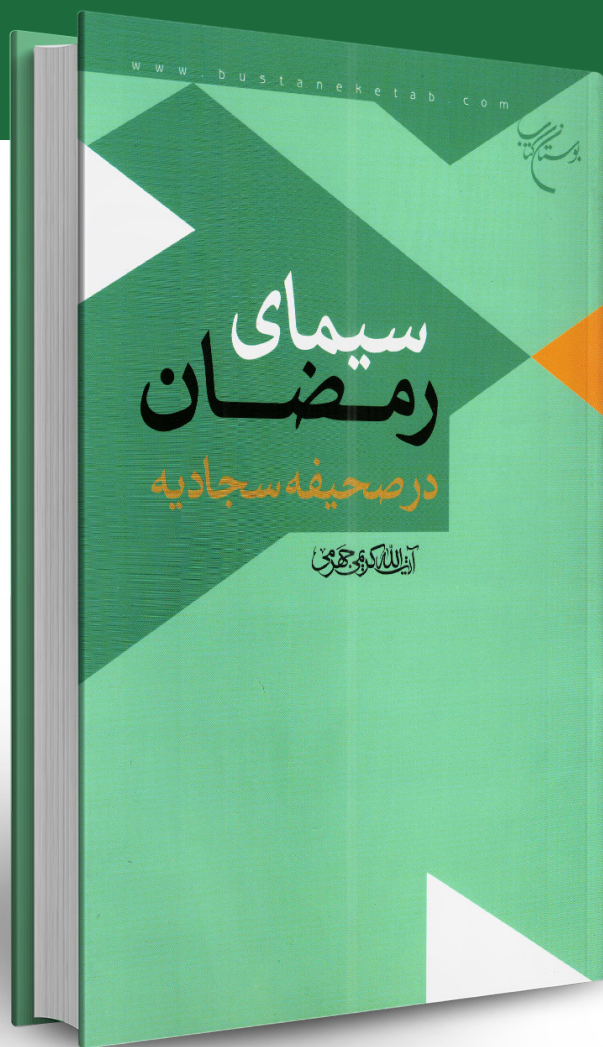
معمولاً پاسخ‌ها به دو شاخه تقسیم می‌شوند؛ پاسخ‌های نقلی و پاسخ‌های حلی. پاسخ نقلی، جنبه مسکن دارد. گاهی آپاندیس کسی ترکیده و از دل درد فریاد می‌زند. باید او را عمل کنند. اول چند تا مسکن تزریق می‌کنند که آرام شود، بعد او را برای عمل جراحی می‌برند. پاسخ نقلی، مسکن است و پاسخ حلی، عمل جراحی است. پاسخ نقلی و حلی باید باهم در نظر گرفته شود و در ابتدا بهتر است با پاسخ نقلی شروع کنند. توضیح چیه چیه است پاسخ نقلی و حلی خودش دو واحد درسی است و شامل موضوعاتی می‌شود مانند اینکه بدانند خاستگاه شبهات از کجاست،

نکته اساسی:

مبلغین محترم توجه داشته باشند که هیچ‌گاه خودشان شبهه را مطرح نکنند، زیرا شبهه، ویران کردن و خراب کردن ذهن است. خراب کردن، کاری ندارد. هر آدم بی‌سواد و بی‌تخصصی به راحتی می‌تواند یک ساختمان را خراب کند. وقتی با طرح شبهه، ساختمان ذهنی و اعتقادی شخصی خراب شود، هم توان ساختنش وجود ندارد و هم ساختن آن به این سادگی‌ها امکان‌پذیر نیست.

پی‌نوشت:
طه: ۱۲۱.





در رمضان از خدا چه و چگونه بخواهیم؟

معرفی کتاب سیمای رمضان در صحیفه سجادیه

مؤلف: آیت‌الله العظمی کریمی جهرمی

۱۸



ماه منیر

ویژه نامه ماه مبارک رمضان

یکی از بهترین منابع جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند متعال در ماه مبارک رمضان، صحیفه سجادیه است

تفسیر مضامین عالی و بلند این دعاها پرداخته است.

کتاب سیمای رمضان در صحیفه سجادیه، با متنی روان توانسته است مطالب را به صورت علمی و متقن، اما قابل فهم به مخاطب خود ارائه دهد. مخاطبان این کتاب در درجه اول، پژوهشگران و فضیای حوزه‌های علمیه و در درجه دوم، طلاب و مبلغان و همچنین جویندگان مطالب قابل اعتماد معرفتی می‌باشند.

از آنجاکه این دعاها در دو موضوع ورود به ماه مبارک رمضان و وداع با ماه مبارک رمضان، صادر شده است، کتاب سیمای رمضان در صحیفه سجادیه نیز به همین دو عنوان کلی تقسیم‌بندی شده است. کتاب در قسمت دعای ورود به ماه مبارک رمضان از دو بخش ۱- ستایش خدا و علل و عوامل آن؛ ۲- درودها و درخواست‌ها تشکیل شده است. کتاب در قسمت دعای وداع ماه مبارک رمضان از چهار بخش ۱- اوصاف و نعمت‌های پروردگار؛ ۲- درباره رمضان؛ ۳- تودیع رمضان؛ ۴- درخواست‌ها تشکیل شده است. این کتاب به خاطر دسته‌بندی خوبی که دارد می‌تواند به عنوان فیش منبر در ایام ماه مبارک رمضان برای مبلغان محترم کاربرد داشته باشد. موضوعاتی که یک مبلغ می‌تواند از این کتاب در مورد آن، بهره برد، ارزش صلوات و درخواست معرفت رمضان، وظایف روزه‌داران، رعایت حقوق مردم، رسیدگی به همسایگان و ... می‌باشد.

ماه مبارک رمضان، سرآغاز فصل تازه‌ای در زندگی معنوی هر مسلمانی است و در پرتو این ماه، محاسبه نفس و خویشتن‌داری و میل به طیب مراحل معنوی و عرفانی بیش از پیش خودنمایی می‌کند. در این میان یکی از بهترین منابع جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند متعال در ماه مبارک رمضان، صحیفه سجادیه است. سیمای ماه مبارک رمضان در دعای امام سجاد (علیه السلام) به طرز بسیار زیبایی ترسیم شده است. آن امام بزرگوار در دو دعای دلنشین و عارفانه، نحوه ورود به ماه رمضان و نیز وداع با آن را آموزش داده است. در واقع امام زین‌العابدین (علیه السلام)، هم برای شروع ماه رمضان و هم برای پایان این ماه، نقشه راه و زبان نجوا با خداوند متعال را در قالب دعا به یادگار گذاشته است تا روزه‌داران و بندگان خدا با اشتیاق، بهترین بهره را از ماه خدا ببرند. اما از آنجاکه این‌گونه دعاها دارای بطون معنایی و تفسیری می‌باشند، کسانی که مشتاق درک معانی والای آنها هستند، باید به ترجمه‌ها و شروح قابل اطمینان مراجعه نمایند.

یکی از کتاب‌هایی که به صورت عالمانه و علمی و همچنین بر مبنای آیات و روایات به شرح دعای امام سجاد (علیه السلام) پرداخته است، سیمای رمضان در صحیفه سجادیه می‌باشد. کتاب سیمای رمضان اثر حضرت آیت‌الله العظمی کریمی جهرمی است که با پرداختن عالمانه، عارفانه و بر مبنای اصول حقه شیعه اثناعشری به شرح و





یکی از کتاب‌هایی که به صورت عالمانه و علمی و همچنین بر مبنای آیات و روایات به شرح دعای امام سجاد (علیه السلام) پرداخته است، سیمای رمضان در صحیفه سجادیه می‌باشد. کتاب سیمای رمضان اثر حضرت آیت‌الله العظمی کریمی جهرمی است که با پرداختی عالمانه، عارفانه و بر مبنای اصول حقه شیعۀ اثنا عشری به شرح و تفسیر مضامین عالی و بلند این دعاها پرداخته است.



«مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتُهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتُهُ، أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَّصْتَهُ؛ از فرشته‌ای که او را مقرب خود گردانیدی یا پیامبری که او را به سوی مردم فرستادی یا بنده صالحی که او را مزیت دادی.» اکنون عبادت‌کاران رمضان را بشناسید. آنان سه گروهند: ملک مقرب؛ نبی مرسل؛ عبد صالح امتیاز یافته. و بنگرید که عبادت‌کنندگان رمضان در صفوف پیامبران مرسل و فرشتگان مقرب خدا می‌باشند و از طرفی مردمی که در ماه رمضان به عبادت پرداخته‌اند، بندگان صالح خدایند. شاید بشود فهمید که مردم بی‌بندوبار در ماه رمضان، جزو گروه شیاطین و نمونه فاسقان و فاجرانند. این کتاب در ۱۵۲ صفحه و به وسیله انتشارات بوستان کتاب به زیور طبع، آراسته گشته است.

در قسمت صلوات و درخواست مقامات عالی از این کتاب می‌خوانیم:
... اگر شما خدا را به حق پیغمبر و فرزندانش قسم می‌دهید، اکنون فرزند پیغمبر، امام سجاد، در این جملات خدا را به ماه رمضان قسم می‌دهد و بالاتر آنکه خدا را به حق عابدان ماه رمضان، آنانی که در ماه رمضان به عبادت پرداختند، سوگند می‌دهد. در جمله «مِنْ اَيْتِدَائِهِ اِلَيْ وَ قَتِ فَنَائِهِ» از آغاز آن تا پایان آن، دو احتمال وجود دارد:
مقصود از آغاز رمضان تا پایان آن، شب اول ماه تا شب آخر آن و خلاصه طول یک ماه باشد.
آغاز و پایان آن؛ یعنی از آنگاه که ماه رمضان را قرار دادی تا زمانی که ماه رمضانی باشد یعنی تا دامنه قیامت. ممکن است به لحاظ جملات بعد، احتمال دوم نزدیک‌تر باشد.



پرونده

مبّغ و قرآن

آشنایی با چند
ترجمه قرآن

مبّغ، بایدها
و نبایدهای ترجمه
قرآن

مبّغ و سیر
مطالعات
تفسیری

جلسه قرآن
را چگونه
برگزار کنیم؟

معرفی
چند کتاب
لغت

ضرورت آشنایی با
فقه اللغة در مطالعات
قرآن محور



مبّغ و سیر مطالعات تفسیری

ضرورت آشنایی با سطوح مختلف تفسیر قرآن کریم

حجت‌الاسلام والمسلمین ادیب‌زاده، | استاد سطح عالی حوزه و مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن

باید به ضرورت این امور توجه داشته باشیم.

قدم دوم: آشنایی با تفسیر آیات برجسته

این توقع وجود دارد که یک مبّغ با تفسیر بعضی از آیات برجسته قرآن، که جنبه معرفتی، اخلاقی یا اجتماعی دارد، آشنایی داشته باشد مثلاً در مسائل سیاسی و روابط بین‌الملل باید بدانند مفاد اولیه سورّه کافرون چیست، چرا باید به کافران بگوییم: «لَا أُغْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ؛ آنچه می‌پرستید نمی‌پرستم» هیچ‌گونه رابطه‌ای بین ما و شما نیست، «لَکُمْ دِیْنُکُمْ وَ لِي دِیْنٌ؛ دین شما برای خودتان و دین من برای خودم»؟ اگر سؤال شد که: «با این وجود، مسئله امریه معروف و نهی از منکر چه جایگاهی خواهد داشت؟» و یا «آیا هیچ‌گونه دعوت و تبلیغی نباید نسبت به تمام کسانی که مسلمان نیستند و محیط فکری و ذهن آنان کفرآمیز است، داشته باشیم؟»، روحانی باید بتواند جمع‌بندی نماید و پاسخ بدهد.

کلام الهی، «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» و پاسخگوی همه مسائل است. هرچه رابطه و انس ما با قرآن و معارف آن بیشتر باشد، بیشتر و بهتر می‌توانیم پاسخگوی نیازهای جامعه باشیم. مبّغ دین برای پاسخگویی به اقدار مختلف مردم باید آگاهی نسبی و تداوم مطالعه نسبت به قرآن داشته باشد و برای این انس باید مراحل را طی نماید:

قدم اول: آشنایی با ترجمه قرآن

کمترین توقع مردم از مبّغ دین، مانوس بودن او با قرآن و روخوانی است. بالاتر از آن، توقع دارند که او استاد تجوید باشد. مرحله بالاتر، آشنایی با ترجمه است. انس با قرآن، در اثر استمرار تلاوت روزانه و نگاه به ترجمه حاصل می‌شود. شاید ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی - مخصوصاً ترجمه‌ای که در یک صفحه، آیات قرآن و صفحه مقابل، ترجمه است - از همه رساتر و بهتر باشد. اینها از اولیات کار است که



قدم سوم: آشنایی با تفاسیر مورد نیاز

معمولاً تفاسیر را در سه سطح تقسیم می‌کنیم: ۱. سطح اولی و عمومی؛ ۲. سطح میانی برای خواص؛ ۳. سطح عالی برای انسان‌های خواهان معارف عمیق. برای سطح اول، تفسیر نور آقای قرائتی، تفسیر بسیار مناسبی است؛ آیات را دسته‌بندی کرده و پیام‌های هر آیه را بازگو نموده است. این تفسیر برای مناسبت‌های مختلف یا در جلسات کوتاه و متناوب می‌تواند پیام‌های قرآنی را، با مراجعه‌ای که کرده، مختصر و مفید و کاربردی به افشار مختلف مردم منتقل کند.

گاهی محفل تفسیری برپا می‌شود یا در جمع، افرادی طالب سطح بالاتری از معارف هستند. برای این مرحله (سطح میانی)، تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی مناسب است؛ پا را فراتر می‌گذارد، به اقوال دیگر اشاره می‌کند، در برخی موارد استدلال‌ها را می‌آورد و پاسخ‌های نسبتاً مورد پسند و قابل قبول ارائه می‌دهد، مقداری به مباحث اجتماعی و علمی می‌پردازد و می‌تواند مرجع مناسبی برای سطح میانی باشد.

اما اگر مخاطبین ما اخص و دنبال نکته و رفع شبهه باشند، بخواهند مسائل را کاملاً روشن دریابند، ابعاد مختلف آن را لمس کنند و مطالب بالاتری بطلبند، تفسیر میزان علامه طباطبایی است که مباحث معرفتی و سؤالات را مطرح می‌کند، شبهات را پاسخ می‌دهد و دربردارنده مباحث فلسفی، تاریخی، اجتماعی و روایی است. از آنجا که شیوه تفسیر در آن، قرآن به قرآن است، با مراجعه به یک آیه، آشنایی با چند آیه مرتبط با آن نیز حاصل می‌شود.

تفسیر موضوعی چیست؟

تفسیر موضوعی موجب احاطه کامل بر موضوعات قرآنی می‌گردد مثلاً راجع به اصل وجود آیاتی در

قرآن درباره روابط بین الملل، سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی آن، آشنایی با تفسیر موضوعی راه‌گشا است. به همین جهت بزرگانی در کنار تفسیر ترتیبی، به تفسیر موضوعی هم پرداخته‌اند. مثلاً آیت‌الله سبحانی در کنار تفسیر ترتیبی خود، نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی را تحت عنوان منشور جاوید در دوازده جلد نوشتند. آیت‌الله جوادی آملی هفده جلد تفسیر موضوعی قرآن کریم راجع به مسائل مختلف دارند و پس از آن تفسیر ترتیبی را نیز شروع کردند. آیت‌الله مکارم شیرازی به عکس ایشان، ابتدا تفسیر ترتیبی را نوشتند و بعد همان گروه محققین را جهت‌دهی کردند و تفسیر موضوعی پیام قرآن را در ده جلد ارائه نمودند.

تفسیر تنزیلی چیست؟

علاوه بر تفسیر ترتیبی و موضوعی، شیوه دیگری به نام «تفسیر تنزیلی»؛ یعنی تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول نیز مطرح شده است. استاد بهجت پور، از شاگردان برجسته مرحوم آقای معرفت، پا به این عرصه گذاشته‌اند و مجلداتی منتشر کرده‌اند.

قدم چهارم: آشنایی با روایات تفسیری

یکی از موضوعاتی که برای مبلغ ضروری است، آشنایی با روایات تفسیری است. برخی بزرگان روایات دارای جنبه تفسیری را جمع‌آوری و مدون کرده‌اند. آنچه در حال حاضر در دسترس می‌باشد سه کتاب معروف البرهان سید هاشم بحرانی، نورالثقلین علامه حویزی و کنز الدقائق میرزا محمد مشهدی است. تفسیر صافی فیض کاشانی نیز تقریباً جنبه روایی دارد، ولی از خودشان نیز قلم زدند. اما این سه تفسیری که عرض شد، مخصوصاً البرهان و نورالثقلین



دو نگاه به قرآن وجود دارد: نگاه درونی و نگاه بیرونی و پیرامونی. نگاه درونی همان تفسیر آیات است و به نگاه بیرونی، اصطلاحاً «علوم قرآن» گفته می‌شود

شاید مختصرترین کتاب علوم قرآن، کتاب قرآن در اسلام علامه طباطبایی باشد که در عین ایجاز، بسیار مفید است. اگر کتاب نسبتاً وسیع‌تری بطلبیم، دوره ده جلدی التمهید مرحوم استاد معرفت است که یک دوره علوم قرآن را به طور مفصل آورده است. در جلد اول، نحوه جمع‌آوری قرآن - که به «تاریخ قرآن» تعبیر می‌شود - و مباحثی راجع به نحوه شکل‌گیری و تدوین قرآن، اسباب نزول و شأن نزول مطرح شده است. پس از آن، سه جلد به اعجاز قرآن - اعجاز بیانی، اعجاز تشریحی و اعجاز علمی - اختصاص یافته است. همچنین دو جلد به آشنایی با تفاسیر شیعه و سنی و مفسرین و مؤلفین آنها تحت عنوان «التفسیر و المفسرون» اختصاص یافته است. یکی از مباحث مهم، «شبهات و دود» است که در آن، شبهاتی که از قرون گذشته تا امروز پیرامون قرآن مطرح شده، از شبهات ادبی تحت عنوان «اغلاط فی القرآن» و شبهات علمی و ...، پاسخ آنها آمده است. مثلاً برخی گفته‌اند آیاتی از قرآن، با آنچه علم ثابت کرده - نه در حد فرضیه - سازگاری ندارد. این شبهات، جمع‌آوری و در این بخش پاسخ داده شده است؛ در بعضی جاها از نقشه و شکل مثلاً ساختار درون بدن، ساختار قلب و ... استفاده کرده و بیان می‌شود که اتفاقاً دقیق‌ترین مطالب علمی در قرآن هست.

اگر کسی در کنار تفاسیری که بیان شد، یک دور با مباحث علوم قرآنی آشنایی پیدا کند، می‌تواند بسیاری از سؤالات پیرامونی راجع به قرآن را پاسخ دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کافرون: ۲.

۲. کافرون: ۶.

که هیچ‌گونه توضیحی ندارد، تقریباً روایی محض است. البته از تفاسیر روایی قدما، تفاسیر عیاشی، قمی و فرات کوفی مانده است، منتها چون هیچ‌کدام کامل نیست، شاید نتوانند خیلی پاسخ‌گو باشند. نکته اساسی که هرکسی که می‌خواهد وارد این تفاسیر بشود و با روایات تفسیری آشنایی پیدا کند باید بدان توجه داشته باشد، تمییز بین «روایات تفسیری (تنزیلی)» و «روایات تأویلی» است. عدم توجه به این نکته، مشکلاتی را ایجاد می‌کند؛ هم برای اهل سنت نسبت به شیعیان شبهه ایجاد کرده، هم بعضی از بزرگان ما در بعضی از مواقع دچار اشتباه شده‌اند. روایات تنزیلی، روایاتی است که برحسب ظاهر آیه وارد شده است و کاملاً با ظاهر آیه هم خوانی دارد، اما در مواجهه با روایات تأویلی، اول باید آیه را به تأویل برد و الغای خصوصیت کرد، بعد از آن، جایگاه این روایات مشخص می‌شود. اگر بین روایات تأویلی و تفسیری تمییز ندهیم، گاهی سخت دچار شبهه می‌شویم.

روحانی و مبلغ باید با ممارست و آشنایی مداوم با این کتب - در پرتو کتب تفسیری که ذکر شد - با روایات تفسیری و تنزیلی و تأویلی آشنایی پیدا کند و بتواند اینها را تفکیک نماید.

قدم پنجم: آشنایی با مباحث علوم قرآن

دو نگاه به قرآن وجود دارد: نگاه درونی و نگاه بیرونی و پیرامونی. نگاه درونی همان تفسیر آیات است و به نگاه بیرونی، اصطلاحاً «علوم قرآن» گفته می‌شود. علوم قرآن، متکفل مباحثی چون تاریخ قرآن، ماهیت وحی، اعجاز قرآن، تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، اسباب و شأن نزول و ... است.



مبلّغ، باید‌ها و نباید‌های ترجمه قرآن



بررسی نیازِ مبلّغ به ترجمهٔ قرآن در گفتگو با سید محمدرضا صفوی،
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

به کوشش: احمدرضا مظفری | پژوهشگر

ترجمهٔ مطلوب و مورد قبول برای قرآن چه ویژگی‌هایی دارد؟

ترجمهٔ قرآن زمانی مطلوب است که حتی الامکان با اصل برابر باشد. ترجمه، بازگردان متنی به زبان دیگر است. هویت ترجمه، برابری و انطباق با متن اصلی است و ترجمهٔ فاقد این خصوصیت، تنها مجازاً و مسامحهٔ ترجمه نامیده می‌شود. ترجمهٔ برابر و منطبق با متن، ویژگی‌های متن اصلی را به همراه دارد. از این رو در ترجمهٔ قرآن، نخست باید ویژگی‌های آن را دریافت، سپس با آن ویژگی‌ها به ترجمه پرداخت. در این میان برخی ویژگی‌ها از جمله اعجاز بیان قرآن، دست‌نیافتنی است که طبعاً مستثنا خواهد شد. قرآن در آیات متعددی خود را معرفی می‌کند. برای نمونه به صراحت می‌گوید که قرآن، «مبین و آياتش، بینات است: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ»، «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ

قرآن کریم منبعی امین و بهترین کتاب از نظر محتوا و ارائه شیوه برای تبلیغ دین است. خداوند متعال جهت اتمام حجت و همچنین هدایت هر انسان جوایحی حقیقت، در قالب حروف و کلمات، واژگانی پرمعنا و جملاتی راهبردی و کاربردی را در این کتاب آسمانی خلق کرده است. در این میان استفادهٔ درست مبلّغان دین از قرآن کریم، نیازمند علم و مهارت توأمان است. یکی از موضوعات مهم برای مبلّغین نیاز به ترجمهٔ قرآن و باید‌ها و نباید‌های چگونگی آن است. به همین خاطر گفتگویی با حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمدرضا صفوی، قرآن‌پژوه و مترجم قرآن براساس المیزان و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ترتیب داده‌ایم که تقدیم حضورتان می‌گردد.



پیشنهاد ما برای نزدیک شدن به ترجمه مطلوب، ترجمه مبسوط است؛ یعنی ترجمه به گونه‌ای تدوین شود که مطالبی را که آیات شریفه - با توجه به ویژگی‌های الفاظ و عبارات و قرائن پیوسته - گویای آن است، بیان کند

در حال حاضر حضرتعالی چه شیوه‌ای در ترجمه قرآن پیشنهاد می‌دهید؟

پیشنهاد ما برای نزدیک شدن به ترجمه مطلوب، ترجمه مبسوط است؛ یعنی ترجمه به گونه‌ای تدوین شود که مطالبی را که آیات شریفه - با توجه به ویژگی‌های الفاظ و عبارات و قرائن پیوسته - گویای آن است، بیان کند. در ترجمه مبسوط، پیوستگی آیات و ارتباط جملات و متعلقات افعال، آشکار می‌شود. از جمله ویژگی‌های ترجمه مطلوب، پیراسته بودن آن از خطا و لغزش در بازگردان معانی واژه‌ها و ساختار صرفی و جایگاه نحوی آنهاست. غالباً ترجمه‌ها متین و با دقت و ظرافت نگارش شده‌اند، ولی خطاها و لغزش‌های آنها نیز کم نیست. از دیگر ویژگی‌های ترجمه مطلوب، در نظر گرفتن مخاطبان ترجمه است که بدون توجه به آن، هدف ترجمه تأمین نمی‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های ترجمه مطلوب، حفظ امانت‌داری، یعنی انعکاس معانی و مفاهیمی است که الفاظ و عبارات قرآن، گویای آن است. متأسفانه برخی ترجمه‌ها و نیز بسیاری از تفاسیر وقتی ظاهر روشن آیات قرآن را با باورها و عقاید مکتبی، مذهبی یا شخصی خویش در علوم مختلف، ناسازگار می‌بینند، به گونه‌ای آن را تأویل می‌کنند که می‌توان گفت قرآن را بدان جا می‌کشند که خود می‌خواهند. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید: «يُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَي الْقُرْآنِ، إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَي الرَّأْيِ؛ اندیشه‌ها را به قرآن بازمی‌گردانند، آن‌گاه که قرآن را به سوی اندیشه‌ها کشانده باشند.»

وَقُرْآنَ مُبِينٍ»، «بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»، «وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» و «وَإِذْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ». بنابراین، ترجمه مطلوب باید روشن و روشنگر باشد و حقایق قرآن را آشکارا به مخاطبان بنمایاند. در چندین آیه چنین آمده است: «وَلَقَدْ بَيَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ». در این آیه بیان شده است که خداوند، قرآن را برای یادآوری، که مقدمه آن، فهمیدن و دریافتن است، آسان کرده است. بنابراین، ترجمه باید به گونه‌ای تدوین شود که فهم معانی و حقایق و معارف آن برای مخاطبان آسان باشد.

چرا ترجمه با شیوه لفظ به لفظ از جایگاه مطلوب برخوردار نیست؟

قرآن، سخنی زیبا و دل‌نشین و شیوا است. طبعاً ترجمه - نه در حد قرآن، ولی تا حد امکان - باید شیوا و زیبا و دل‌نشین باشد. از آنچه گذشت به روشنی درمی‌یابیم که ترجمه‌های لفظ به لفظ، ترجمه مطلوب نیست، زیرا مطالب قرآن را به روشنی بیان نمی‌کند و فهم این‌گونه ترجمه‌ها برای عامه مردم، آسان نیست. در کنار دوری از شیوایی و زیبایی و دل‌نشینی، بسیار گنگ و ناموزون و در جذب مخاطب، ناتوان است. اغلب ترجمه‌های عرضه شده در سه دهه گذشته، گامی به جلو برداشته و ترجمه‌های تحت‌اللفظی را منسوخ کرده و به صورت نثر معیار، یعنی برابر با ادبیات زبان مقصد، ارائه شده و تا حدودی رضایت مخاطبان را فراهم آورده است. با وجود این، تا رسیدن به نقطه مطلوب، فاصله داریم.





Photo: Taherch Babaei

از آنجا که برخی از مبلغین ناخواسته به ترجمه‌ها نگاه تفسیری دارند، تفاوت ترجمه و تفسیر را به صورت روشن بیان بفرمایید.

ترجمه، انعکاس مراد و مفاد استعمالی کلمات و جملات آیات شریفه، و تفسیر، ارائه مراد جدی از آیات قرآن کریم است. تفاوت اساسی این دو در توجه به قرائن ناپیوسته روشن می‌شود؛ در ترجمه، تنها به قرائن پیوسته، و در تفسیر، علاوه بر آن به قرائن ناپیوسته نیز توجه می‌شود. برای نمونه اگر بخواهیم آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» را ترجمه کنیم، معنای واژه‌ها را با مراجعه به لغت‌نامه‌های معتبر می‌شناسیم، معادل‌های زبان مقصد را می‌یابیم و به ساختار صرفی کلمات، توجه می‌کنیم. آن‌گاه به ساختار نحوی کلمات توجه می‌شود و قرائن پیوسته را نیز در نظر می‌گیریم. مثلاً می‌گوییم «ایفاء» مصدر «أوفوا» به معنای وفا کردن و کاملاً از عهده برآمدن است و «أوفوا»، صیغه امر و حاکی از وجوب است.

عقد به معنای «پیمان و قرار» و جمع آن عقود، دارای الف و لام جنس است و به عموم دلالت دارد. بر این اساس آیه شریفه را چنین ترجمه می‌کنیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به تمام پیمان‌ها و قراردادهای، آن‌گونه که باید، وفا کنید.»

تمام این مراحل، در تفسیر آیه پیموده می‌شود و علاوه بر آن، به قرائن ناپیوسته که دیگر آیات قرآن از موارد مسلم آن است - یعنی آیات دیگری که درباره عقود و قراردادهای آمده است - رجوع می‌شود. شاید در آنها مطلبی باشد که مایه تغییر جزئی یا کلی آیه مورد بحث شود. برای نمونه آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الزَّيْنَةَ يَا حُرْمَتٌ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ أَخَوَاتِكُمْ» و نظایر آن، به روشنی برخی قراردادهای را تحریم کرده و به رسمیت نشناخته است. طبعاً این‌گونه آیات سبب می‌شود «العقود» در معنای کلی و شمول خود نماند و به اصطلاح تخصیص بخورد. بر این اساس در تفسیر «أوفوا بالعقود» بیان می‌شود که اهل ایمان موظف‌اند به همه قراردادهای خود، مگر قراردادهای حرام، وفا کنند.



لازم به ذکر است بسیاری از آنچه در کتب تفسیری آورده می‌شود، هرچند مطالب ارزشمندی است، تفسیر آیات به شمار نمی‌آید

ترجمه آیه ۲۲ سوره انبیاء، به روشنی درمی‌یابد که خدا شریکی ندارد و حقیقتی واحد این جهان را اداره می‌کند.

از سویی دیگر، گاهی کاستی یا خطایی در ترجمه دیده می‌شود یا وافی به مقصود نیست که به همان اندازه خواننده را از حقیقت دور می‌کند. از باب مثال اگر فرد این بخش از ترجمه آیه ۱۲ سوره نساء را بخواند که «(تقسیم سهام ارث) پس از انجام وصیتی است که متوفی بدان وصیت می‌کند»، چنین برداشت می‌کند که وارثان، زمانی مالک سهم خود می‌شوند و حق تصرف در آن دارند که وصیت متوفی را انجام داده باشند، درحالی‌که در آیه شریفه، سخن از انجام و عمل به وصیت نیست. آنچه آیه شریفه «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّتِ يُوْصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ» بیان می‌کند، این است که سهم الارث به مقدار وصیت تعلق نمی‌گیرد.

نخواندن متن قرآن، چه ترجمه خوانده شود و چه نشود، نیز آسیب‌هایی دارد و آن، محرومیت از سخن گفتن با خدا و محرومیت از شنیدن کلام خدا و محرومیت از دیدن نور الهی است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ؛ به راستی خداوند در کلامش برای مردم جلوه‌گر شده است، ولی آنان نمی‌بینند.»

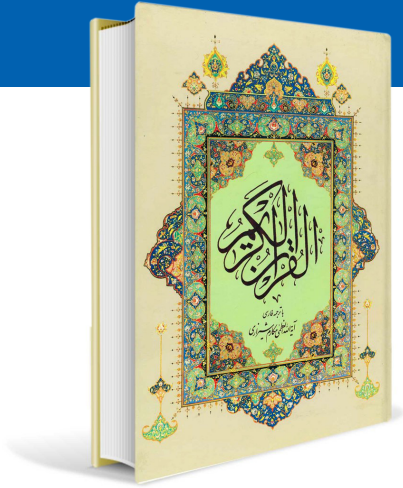
کلام خدا، همان متن قرآن است و ترجمه هرچه و از هرکس باشد، کلام بشر است. همچنین در صورت آشنایی شخص با لغت و ادبیات عرب، ممکن است با خواندن متن قرآن به نکاتی دست یابد که در ترجمه منعکس نشده است.

حاصل اینکه «العقود» به معنای «همه قراردادها و پیمان‌ها به جز پیمان‌های ربوی و مانند آن» ترجمه شده است که باتوجه به دیگر آیات یا دیگر قرائن ناپیوسته مانند روایات به دست می‌آید؛ این کار، تفسیر به شمار می‌آید. طبیعتاً در مواردی مثل «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» که قرائن ناپیوسته موجود نیست، ترجمه و تفسیر یکسان می‌شود. لازم به ذکر است بسیاری از آنچه در کتب تفسیری آورده می‌شود، هرچند مطالب ارزشمندی است، تفسیر آیات به شمار نمی‌آید، مثلاً مباحث حول آیه «إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» در زمینه چگونگی علم خدا، قدیم یا حادث بودن آن و...، تفسیر این آیه به شمار نمی‌آید. تفسیر قرآن؛ یعنی دریافت مراد الهی از آیات قرآن بر پایه ادبیات و قرائن پیوسته و ناپیوسته.

به عنوان سؤال آخر بفرمایید آیا لزومی دارد هنگام خواندن ترجمه قرآن، به متن قرآن نیز توجه داشته باشیم؟

مطالعه ترجمه قرآن، چه همراه با قرائت متن چه بدون آن، ثمرات و مزایای خود را دارد. چنان‌که ترجمه مورد نظر گویای مطالب قرآن و بیان مقصود باشد، طبعاً حقایقی از قرآن، تا حدودی که ترجمه منعکس کرده، دریافت می‌شود و خواننده به وظایف الهی خویش آشنا می‌گردد. برای مثال، فرد با خواندن ترجمه آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فهمد که غیبت از محرمات الهی و همانند مرده خواری است، با مطالعه ترجمه آیه ۱۸۳ سوره بقره درمی‌یابد که روزه از واجبات الهی و ثمره آن تقوای پیشگی و در ادیان پیشین نیز واجب بوده است و با خواندن





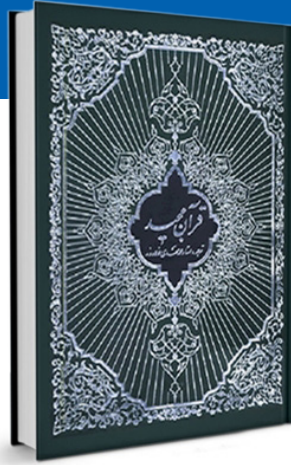
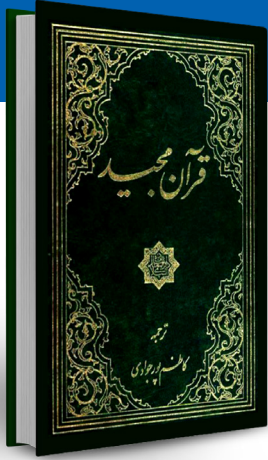
ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی

ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی از قرآن کریم - که برخی محققین آن را یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی می‌دانند - ترجمه‌ای سلیس و روان است که اکنون در زمره ترجمه‌های رایج قرآن کریم قرار دارد. این ترجمه در اصل، بخشی از تفسیر نمونه است که با تحقیق و بازنگری گروهی از محققان و ویراستاری حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی در سال ۱۳۷۳ منتشر شد.

روش ترجمه در این اثر، «معنایی» و یا به تعبیر ایشان «محتوا به محتوا» است؛ در این روش، ابتدا معانی به‌طور دقیق از زبان مبدأ استخراج می‌شوند، سپس در مرحله دوم با دقت در قالب واژگان زبان مقصد، جای می‌گیرد و نهایی می‌شود.

باتوجه به جامعه هدف، که عموم مخاطبان مخصوصاً نسل جوان امروزی است، زبان این ترجمه کاملاً ساده و عامه‌فهم و با ارائه توضیحات تفسیری، فاقد ابهام در فهم آیه است.

آشنایی با چند ترجمه قرآن



ترجمه استاد پورجوادی

ترجمه دکتر کاظم پورجوادی از قرآن کریم، ترجمه‌ای سلیس و روان است که براساس قواعد دستور زبان فارسی و به تعبیر ایشان، از انتخاب برابرنهاده‌های فارسی و حداقل کلمات و واژه‌های دخیل نگارش یافته است.

مترجم برای تکمیل فراگیری زبان عربی و آشنایی با لهجه‌های مختلف، به چند کشور عربی مسافرت کرده و سپس طی چند سال، قرآن را به زبان فارسی ترجمه نموده است. ارائه معنای نام هر سوره در ابتدا، ترجمه کامل حروف مقطعه، دوری از مطالب اضافی تا حد ممکن، ترجمه سلیس و روان و قابل فهم برای عموم و نظم و شیوایی خاص در انتخاب کلمات، از جمله ویژگی‌های این اثر می‌باشد. بهاء‌الدین خرمشاهی که ویراستار این ترجمه است در «دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی» آن را چنین معرفی می‌کند: «این ترجمه یکی از روان‌ترین و خوش‌خوان‌ترین ترجمه‌های عصر جدید است. اما همواره میزان دقت علمی و مطابقتش با نص مقدس قرآن، به اندازه روانی و خوش‌خوانی‌اش نیست.»

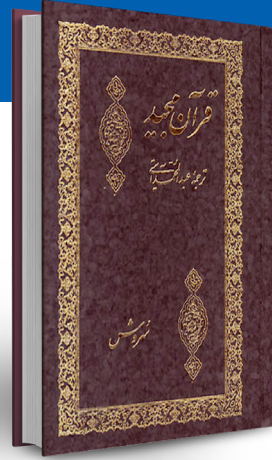
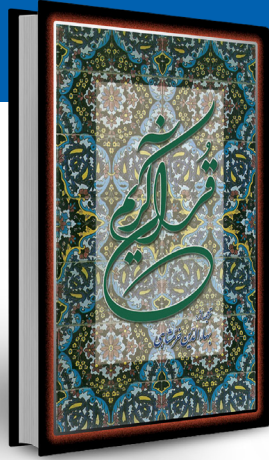
ترجمه استاد فولادوند

ترجمه محمدمهدی فولادوند از قرآن کریم، یکی از قوی‌ترین ترجمه‌های موجود است که در سال ۱۳۷۳ با ویرایش محمدرضا انصاری و سید مهدی برهانی منتشر شد. این اثر، ترجمه‌ای امروزی، ساده، بدون سبک و فاقد فارسی‌گرایی و عربی‌گرایی افراطی است.

استفاده از دو روش ترجمه محتوایی و ترجمه تحت‌اللفظی، مطابقت با متن، توضیحات مختصر شامل ظاهر کردن مراجع ضمیر، حرف ربط و دیگر افتادگی‌ها که داخل قلاب قرار گرفته است، هماهنگی در شیوه ترجمه و هماهنگی در ترجمه واژه‌های مشابه، از ویژگی‌های این ترجمه قرآن کریم است. همچنین از جمله ویژگی‌های کم‌نظیر این اثر، همت مترجم در ارائه ترجمه‌ای آهنگین در سوره‌های مکی انتهایی قرآن می‌باشد.

برخی محققین این ترجمه را از لحاظ صحت و امانت و به‌کارگیری معادل‌های مصطلح در فارسی روز و همچنین در روانی و شیوایی و سادگی، بهترین ترجمه در میان ترجمه‌های منتشرشده در پنجاه سال اخیر می‌دانند.





ترجمه استاد خرمشاهی

ترجمه استاد بهاء الدین خرمشاهی با ویراستاری مسعود انصاری و مرتضی کرباسی، در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. تلاش بسیار مترجم در زمینه نقد و بررسی ترجمه‌های مختلف و کسب تجارب در این زمینه، به ارائه ترجمه‌ای روان، شیوا و ماندگار از قرآن کریم منجر شده است.

نشر ادبی و روان، دوری از توضیحات گسترده در متن، مطابقت ترجمه با اصل و ارائه توضیحات و نکات تفسیری در پانوشت، از جمله ویژگی‌هایی است که این ترجمه از قرآن کریم را مورد توجه مخاطبان و محققان قرار داده است.

از جمله اصول رعایت‌شده در این اثر، تلاش برای افزایش دقت و صحت است به‌گونه‌ای که هیچ کلمه و تعبیر و یا حتی حرف قرآنی‌ای بدون معادل در ترجمه نماند، استفاده از نشر معیار و متعارف روز برای ترجمه، حفظ برخی از کلمات و عبارات و تعبیرات قرآنی عیناً در ترجمه، حفظ صیغه و ساختار کلمات در ترجمه، استفاده از معنای واحد برای کلمه واحد و استفاده حداقلی از عنصر تفسیری است.

ترجمه استاد آیتی

ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی از قرآن کریم، در سال ۱۳۶۷ منتشر و با استقبال خوانندگان و توجه ویژه منتقدان مواجه شد. تلاش‌های ادبی مترجم از جمله ترجمه «معلقات سبعه»، فعالیت در زمینه تاریخ ادبیات عرب و دیگر تجربیات علمی ادبی، موجب شده غالباً معادل‌های زیبا و ظریفی برای کلمات موجود در قرآن انتخاب کند و اثری روان پدید آورد.

از دیگر ویژگی‌های این اثر، تعادل ساختاری آن است به نحوی که در جایی با روش «ترجمه ارتباطی»، عبارتی که در فارسی معادل پیامی دارد، ترجمه می‌کند و جایی که «ترجمه معنایی» مناسب‌تر است، از این روش استفاده می‌کند.

محمدعلی کوشا ضمن ارائه بیش از صد و هفتاد اشکال بر این ترجمه، آن را دارای ارزش ادبی فراوان و از جمله آثار ماندگار می‌داند و سلامت و استحکام جمله‌بندی، پرهیز از سره‌نویسی فارسی، اجتناب از عربی‌گرایی افراطی و دوری از هرگونه خشو و زوائد را از ویژگی‌های این اثر معرفی می‌کند.





جایگاه فقه اللغة در مطالعات قرآن محور



کلید فهم قرآن، آشنایی با واژگان عربی است

حجت الاسلام والمسلمین محمد افخمی اردکانی،
استاد سطح عالی حوزه و مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن

قلب

قلب در اصل به معنای «وارونه بودن» است، لذا قلب در عربی به معنای عکس است. این وارونگی، در نام عضو صنوبری که در سینه انسان و حیوانات است، که به آن «دل» یا «قلب» می‌گوییم، لحاظ شده است. قلب انسان، درست برعکس مثلث که باید روی قاعده ایستاده باشد، به صورت وارونه آویزان شده و تیزی آن رو به پایین است. بعدها با وجود اینکه قلب اصلاً به معنای «وسط» نیست، اما چون تقریباً در وسط بدن قرار دارد، از واژه قلب در تعبیر «مرکز» استفاده کرده‌اند، مثل قلب سپاه یا قلب شهر. در استعمالی دیگر از آنجاکه قلب یک عضو رئیسی در بدن انسان است و اگر کار نکند، عملاً انسان حیات نخواهد داشت، در تعبیر «محور اساسی» از قلب استفاده شده و گفته می‌شود: فلانی قلب فلان نهاد است. ممکن است از جهات دیگر هم واژه قلب در جاهای دیگر استفاده شود:

قرآن و سنت به زبان عربی است: «بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ! به زبان عربی روشن»، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا! ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید.» بر این اساس کلید فهم قرآن، چه فهم ابتدایی و چه فهم عمیق و ژرف، آشنایی به لغت عربی است. هر نوع فهم از قرآن، مبتنی بر این است که ما واژه‌های قرآن را بفهمیم. امکان ندارد کسی بدون اینکه کلمات عربی، جایگاه لغات، اعراب، صرف، نحو و بلاغت را بداند، بتواند ادعا کند که قرآن را می‌فهمد. بنابراین دانستن علم واژه‌شناسی یا فقه اللغة، که مقداری عمیق‌تر از مفردات و علم اللغة است، مسائل اشتراک، ترادف، اشتقاق صغیر، کبیر، انتزاعی، اکبر و ... برای کسی که می‌خواهد قرآن پژوه سطحی یا عمیق باشد، حتماً لازم است. به دو مثال زیر توجه کنید:



کلمه «ظن» برخلاف آنکه ما طلاب براساس علم منطق و اصول می‌پنداریم، تنها به معنای «اعتقاد راجح» و گمان نیست. در مورد «ظَنٌّ» نوشته‌اند: «أَيُّ أَعْتَقْدُ؛ الظن هو الاعتقاد»

این پدیده تقریباً در همه زبان‌ها وجود دارد که ریشه‌یابی و بررسی آن، کمک بسیاری در فهم درست از متون می‌کند. خداوند متعال خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) راجع به کفار و منافقان می‌فرماید: «وَقَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ؛ ۳ و کارها را بر تو وارونه ساختند». بسیاری از مترجمان این آیه را این‌گونه معنا می‌کنند: «امور را بر تو دگرگون کردند»؛ یعنی وضعیت تو را به هم زدند و هر کاری می‌کردی، چوب لای چرخ تو می‌گذاشتند. هرچند این معنا را نمی‌توان غلط دانست، اما معنای دقیق‌تر آن متناسب با آنچه بیان شد، ظریف و زیباتر است. قلب به معنای عکس و وارونه کردن است. اصل این معنا این بوده که کسی که می‌خواسته جنسی، مثلاً برنج، لوبیا و... بخرد، دقت به خرج می‌داده و کیسه را وارونه می‌کرده تا زیر و رو شود و جنس پایین و بالای کیسه، جابه‌جا شود تا حقیقت جنس را بفهمد، همان‌گونه که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِيَتَّبِلُنَّ بُنْبَلَةً وَ لِيَتَّزِلُنَّ عَرَبِلَةً وَ لِيَتَّسِطُنَّ سَوْطَ الْقِدْرِ حَتَّى يَعْوَدَ أَشْفَلُكُمْ أَغْلَاكُمْ وَ أَغْلَاكُمْ أَشْفَلَكُمْ؛^۴ مثل دیگ که می‌جوشد، در تقلب ایام زیر و رو می‌شوی، خدا امتحان می‌کند، زیر و رو می‌کند، پایین را بالا می‌آورد و بالا را پایین می‌برد تا خوب و بد را مشخص کند.» پس این به معنای دقت کردن و حساب‌گری دقیق و ماهرانه است. از طرفی «وَقَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» باتوجه به اینکه باب تفعیل نیز است مثل «يَقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ»؛^۵ پسرانتان را می‌کشند»، افاده تأکید و مبالغه می‌کند: «وَقَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» یعنی ای پیغمبر! تمام امور را زیر و رو کردند، بررسی کردند تا به تو ضربه بزنند. «الامور»

این پدیده تقریباً در همه زبان‌ها وجود دارد که ریشه‌یابی و بررسی آن، کمک بسیاری در فهم درست از متون می‌کند. خداوند متعال خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) راجع به کفار و منافقان می‌فرماید: «وَقَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ؛ ۳ و کارها را بر تو وارونه ساختند». بسیاری از مترجمان این آیه را این‌گونه معنا می‌کنند: «امور را بر تو دگرگون کردند»؛ یعنی وضعیت تو را به هم زدند و هر کاری می‌کردی، چوب لای چرخ تو می‌گذاشتند. هرچند این معنا را نمی‌توان غلط دانست، اما معنای دقیق‌تر آن متناسب با آنچه بیان شد، ظریف و زیباتر است. قلب به معنای عکس و وارونه کردن است. اصل این معنا این بوده که کسی که می‌خواسته جنسی، مثلاً برنج، لوبیا و... بخرد، دقت به خرج می‌داده و کیسه را وارونه می‌کرده تا زیر و رو شود و جنس پایین و بالای کیسه، جابه‌جا شود تا حقیقت جنس را بفهمد، همان‌گونه که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِيَتَّبِلُنَّ بُنْبَلَةً وَ لِيَتَّزِلُنَّ عَرَبِلَةً وَ لِيَتَّسِطُنَّ سَوْطَ الْقِدْرِ حَتَّى يَعْوَدَ أَشْفَلُكُمْ أَغْلَاكُمْ وَ أَغْلَاكُمْ أَشْفَلَكُمْ؛^۴ مثل دیگ که می‌جوشد، در تقلب ایام زیر و رو می‌شوی، خدا امتحان می‌کند، زیر و رو می‌کند، پایین را بالا می‌آورد و بالا را پایین می‌برد تا خوب و بد را مشخص کند.» پس این به معنای دقت کردن و حساب‌گری دقیق و ماهرانه است. از طرفی «وَقَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» باتوجه به اینکه باب تفعیل نیز است مثل «يَقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ»؛^۵ پسرانتان را می‌کشند»، افاده تأکید و مبالغه می‌کند: «وَقَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» یعنی ای پیغمبر! تمام امور را زیر و رو کردند، بررسی کردند تا به تو ضربه بزنند. «الامور»

ظن

جمع محلی به الف و لام) افاده عموم می‌کند؛ امر اقتصاد، امر نظامی، امر فرهنگی، امر اجتماعی، تمام جنبه‌های امور را شامل می‌شود. خدا نمی‌خواهد این را بگوید که امور را امور را بر تو دگرگون کردند، بلکه می‌گوید: امور را محاسبه دقیق کردند و سنجیدند که چگونه به تو ضربه بزنند. «وَقَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» یعنی حواس تان جمع باشد که دشمن در هر امری، بررسی دقیق می‌کند و براساس آن بررسی دقیق، کار کارشناسی می‌کند و به شما ضربه می‌زند. هر جا که بررسی درست باشد، نتیجه هم درست است. براساس این معنا، تفاسیر زیبایی متعددی می‌توان ارائه داد. این بررسی لغت به ما کمک می‌کند تا حداقل خوب بفهمیم.

کلمه «ظن» برخلاف آنکه ما طلاب براساس علم منطق و اصول می‌پنداریم، تنها به معنای «اعتقاد راجح» و گمان نیست. در مورد «ظَنٌّ» نوشته‌اند: «أَيُّ أَعْتَقْدُ؛ الظن هو الاعتقاد». پس ظن نخست به معنای اعتقاد و معنای دوم آن، اعتقاد راجح است. در قرآن کریم هم این کلمه در هر دو معنا به کار رفته است و نباید ذهنیت منطقی و اصولی ما موجب شود اشتباه کنیم. کلمه «ظن» در بعضی موارد مثل «إِنَّ هُمْ إِلَّا يَطُنُّونَ»^۶ فقط گمان می‌برند»، «إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»^۷ آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی‌کنند و جز به حدس و تخمین نمی‌پردازند» و «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»^۸ [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند»، براساس قرائن در معنای دوم خود یعنی اعتقاد راجح، به کار رفته





الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِينَ؛^۱ امری که شما دو تن از من جویا شدید، تحقق یافت.»؛ مطلبی که درباره آن از من نظر خواستید، قطعی و حتمی است، «ظن» در معنای اصلی و ابتدایی خود یعنی «اعتقاد» به کار رفته است و در واقع یعنی یوسف اعتقاد داشت او آزاد می‌شود، نه گمان و اعتقادِ راجح.

همان‌گونه که در قالب برخی مثال‌ها تبیین شد، گاهی در واژه‌های اولیه - که تصور می‌کنیم کاملاً برای ما معلوم هستند - مشکل داریم و این، موجب کج‌فهمی و بدفهمی و انحراف ادراک ما از قرآن می‌شود یا موجب می‌شود فهم درست از قرآن نداشته باشیم. باید سعی کنیم واقعاً لغت را خوب تشخیص دهیم و سابقه استعمالات آن را بررسی کنیم؛ ممکن است لغتی در بدو امر، در یک معنای خیلی محدود به کار گرفته شده - که غالباً همین است - و بعد توسعه داده شده باشد. این توسعه هم انواع و اقسام مختلف دارد؛ گاهی مثلاً توسعه به لحاظ شکل بوده (یعنی شکل دو معنا مثل هم بوده؛ لغتی که در یک معنای محدود به کار رفته را در معنای دیگری نظیر آن در شکل استعمال کرده‌اند) یا حتی در رنگ یا حتی در موقعیت.

پی‌نوشت:

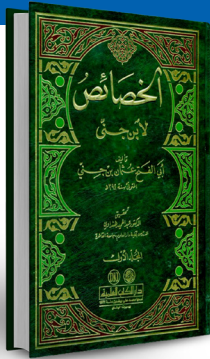
۱. شعراء: ۱۹۵.
۲. یوسف: ۲.
۳. توبه: ۴۸.
۴. نهج البلاغه: خطبه ۱۶.
۵. اعراف: ۱۴۱.
۶. بقره: ۷۸.
۷. انعام: ۱۱۶.
۸. یونس: ۳۶.
۹. بقره: ۲۴۹.
۱۰. یوسف: ۴۲.
۱۱. یوسف: ۶.
۱۲. یوسف: ۴۱.

است. اما در آیه «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فُئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةُ كَثِيرَةٍ يَأْذُنُ اللَّهُ؛ کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیباییان است»، ظن در معنای ابتدایی خود یعنی اعتقاد به کار رفته است. در رادیو شنیدیم که یکی از علما به این آیه رسیدند و گفتند: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ؛ یعنی کسانی که گمان داشتند خداوند را می‌بینند و قیامتی هست.» ببینید چقدر اعتقاد به قیامت، خوب و مفید است که حتی ظن به آن هم خوب است!؛ شاید توجیه خوبی کرد، ولی واقعاً این غلط است و نباید در این زمینه دچار اشتباه شویم. جدای از آنکه در اینجا قرینه‌ای برای استعمال ظن در معنای دوم وجود ندارد، اساساً اصول عقاید ظن بردار نیست، بلکه اعتقاد به آنها باید متقن، قطعی و یقینی باشد. پس منظور این آیه آنهایی است که معتقد به قیامت بودند، نه کسانی که به قیامت ظن (به معنای اعتقاد راجح) داشتند.

مورد دیگر جایی است که حضرت یوسف (علی نبینا و آله و علیه السلام) خواب دوزدانی را تعبیر کرد: «قَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا؛^۱ و [یوسف] به آن‌کس از آن دو که گمان می‌کرد خلاص می‌شود، گفت»، فاعل «ظَنَّ» بنابر مشهور، یوسف (علی نبینا و آله و علیه السلام) است؛ یوسف به آن کسی که ظن داشت نجات پیدا می‌کند، گفت: ... در اینجا کدام معنا مقصود است؟ باتوجه به اینکه خدا می‌گوید: «و يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ؛^۱ و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد»، خدا تعبیر خواب را به او یاد داد و باتوجه به اینکه او پیغمبر خدا بود و به آنها گفت: «فُضِّي



آشنایی با چند کتاب لغت

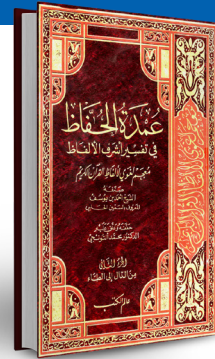


الخصائص

«الخصائص» اثر ابوالفتح عثمان معروف به ابن جنی - که در آن اصول علم نحو و منشأ زبان و آواشناسی مورد بررسی قرار گرفته است - از قوی‌ترین آثار در زمینه لغت عرب است. نکته حائز اهمیت در این کتاب، ریشه‌شناسی، شناخت الفاظ مشترک و تناسب معنوی و لفظی میان آنها است. ابن جنی در اشتقاق لغت، مبحث جدیدی به نام «اشتقاق اکبر» را مطرح کرده است که نتایج آن تا امروز ادامه دارد و هیچ‌یک از علمای لغت توفیقی بزرگ‌تر از این به دست نیاورده‌اند. غالباً ابن جنی را مؤسس و مبدع این مبحث می‌دانند.

ابن جنی در الخصائص درباره مسائل مختلفی از جمله منشأ زبان، معیار درستی سخن، قاعده و قیاس در زبان، اصول فرانظری زبان‌شناسی، لهجه‌های قبل از اسلام، پدیده‌های عروضی، ریشه‌شناسی و اشتقاق کلمه، رابطه صورت و معنا، قواعد واجی، فرایندهای آوایی، حذف، مجاز و خطاهای زبانی بحث می‌کند.

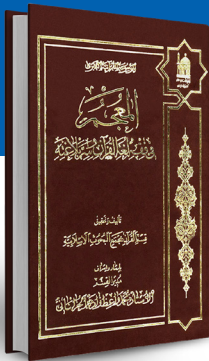
سیوطی این کتاب را تلخیص و تنظیم کرده و آن را الاقتراح نامیده است. خصائص به کوشش و با مقدمه محمدعلی نجار در سه مجلد به چاپ رسیده است.



عمدة الحفاظ

«عمدة الحفاظ في تفسير أشرف الألفاظ» اثر احمد بن يوسف معروف به سمین حلبی - که در آن، توضیحاتی را در مورد معانی واژگان مهم و غریب قرآن کریم ذکر کرده - یکی از معتبرترین فرهنگ‌های لغت قرآن است. تأکید بیشتر حلبی در این کتاب بر شناسایی معانی واژگان قرآن است و آن را بر پایه مفردات الالفاظ راغب اصفهانی به‌نگارش درآورده است، اما چون معتقد بوده برخی از الفاظی که راغب در کتاب خود آورده، در قرآن وارد نشده یا در قرائت شاذی وارد شده و همچنین الفاظ بسیاری را - با آنکه نیاز شدیدی به آن هست - فراموش کرده، بر این اساس احساس ضرورت کرده و به تألیف این کتاب به ترتیب الفبایی پرداخته است. این اثر با تحقیق و تصحیح محمد تونجی در چهار جلد منتشر شده است.

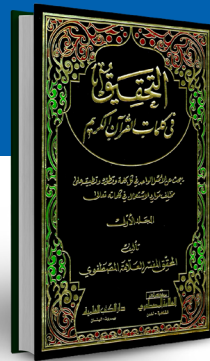




المعجم في فقه اللغة القرآن

«المعجم في فقه اللغة القرآن و سرّ بلاغته» به عنوان دانش نامه‌ای قرآنی دربردارندهٔ نصوص لغوی و تفسیری و وجوه قرآن و اختلاف قراءات و معضلات اعراب، به اضافهٔ تحقیقاتی بی سابقه در فقه اللغة قرآن و اسالیب آن می باشد که زیر نظر آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی توسط جمعی از محققان به تألیف رسیده است. بدون مبالغه طالبان تفقه و تدبیر در الفاظ قرآن، با وجود این معجم از بسیاری از کتب لغت و تفسیر و غریب القرآن و وجوه القرآن و اعجاز و بلاغت قرآن، بی نیاز می شوند. این کتاب - که الفاظ قرآن کریم را به ترتیب الفبایی آورده - ذیل هر لفظ، اقوال لغویون را پیرامون وضع و معنا و استعمال آن ذکر کرده و سپس نصوص تفسیری و تاریخی و وجوه بلاغی پیرامون آن را آورده است و در نهایت از حیث اصل لغوی و استعمال قرآنی به تحلیل آن لغت می پردازد.

این کتاب از جهتی در شمار کتب غریب القرآن و مفردات القرآن است، ولی از جهت دیگر جزو کتب اعجاز القرآن و نیز یک نوع تفسیر موضوعی به حسب کلمات - و نه مفاهیم - است. همچنان که می توان آن را در زمرهٔ کتاب های اعلام القرآن به شمار آورد، زیرا هریک از اعلام قرآن در این کتاب، به ترتیب حروف معجم در جای خود مورد بحث قرار گرفته است. تا کنون سی و دو جلد از کتاب حاضر - که به توصیهٔ مقام معظم رهبری، تألیف شده است - توسط بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر شده است.



التحقیق

«التحقیق في كلمات القرآن الكريم» اثر علامه شیخ حسن مصطفوی - که در آن به معناشناسی کلمات قرآن کریم پرداخته - در زمینهٔ علم لغت و به ویژه شناسایی علمی و مستند کلمات قرآنی و نیز تفسیر و علوم قرآن است و از منابع قابل توجه به شمار می رود.

کوشش اصلی نویسنده در این کتاب، بحث از اصل واحد در کلمه و تطور و تطبیق آن بر معانی و استعمالات مختلف آن در قرآن است. مصطفوی معتقد است که مترادف حقیقی - به معنای توافق دو لفظ در معنای واحد در جمیع خصوصیات - در کلام عرب و خصوصاً در قرآن یافت نمی شود. هر لفظ مترادفی با الفاظ دیگر به ظاهر مترادف، تفاوت دارد که در ذیل هر لغت به آنها اشاره کرده است.

نکته قابل بیان این است که مؤلف در ذیل هر لغت، آیه و آیتی را که آن لغت و یا هم ریشه های آن، در آن آیه قرار دارد، احصا کرده است. خود می نویسد: «بعد از مراجعه به کتب [لغت]، موارد استعمال کلمه در قرآن را مورد بررسی قرار داده و با مشخص شدن اصل در هر ماده، سایر معانی مجازی و مستعمل را به آن رجوع دادیم و وجه مناسبت بین آنها را بیان کردیم». این اثر به زبان عربی و در چهارده جلد نوشته شده است.





حجت الاسلام محمد لطیفی، | استاد حوزه و مربی قرآن

جلسه قرآن را چگونه برگزار کنیم؟

کارکردها و روش‌های برگزاری جلسات و محافل قرآنی

الف. پیشینه و ضرورت

جلسات قرآن از کهن‌ترین قالب‌های تعلیم و تبلیغ معارف دین بوده و از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در بین اصحاب رواج داشته است. حلقات محافل قرآنی با جمعیت‌های متغیر و در اماکن گوناگون مانند مساجد و حسینیه‌ها و ... برگزار می‌شده و ضمن فراگیری لفظ و عبارت، محملی برای آموزش معارف قرآن نیز بوده است. یکی از وظایف حوزه و خصوصاً مبلغان محترم در

کنار نهادهای حاکمیتی و متولی، ترویج معارف قرآنی است. در سه دهه گذشته، جلسات قرآنی پایه بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی تأثیرگذار و پویا در شهرهای بزرگ و کوچک بوده است، اما متأسفانه در دوره کرونا و به دنبال تعطیلی بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، این جلسات هم کمیاب و نایاب شد. از آنجاکه آموزش‌های قرآنی مدارس و دبیرستان‌ها، کفاف نیاز فراوان جامعه جوان و نوجوان را نمی‌دهد، لازم است دوباره و با نشاط بیشتر، جلسات ساده



برای اینکه مخاطبان با حقیقت جدایی ناپذیر بودن قرآن و عترت مأنوس شوند، مناسب است در هر جلسه به گونه‌ای از اهل بیت علیهم‌السلام یاد کنیم

● **۷. مکان:** بهترین مکان برای جلسه قرآن، مسجد محل است. در مراتب بعدی، کانون‌های فرهنگی و منازل هم می‌تواند باشد.

● **۸. کانال مجازی:** تشکیل یک بستر مجازی برای ایجاد ارتباط با اعضای جلسه بسیار مفید است و فعالیت شما را گسترش می‌دهد.

● **۹. تشویق:** کمترین تشویق، صلوات قرآنی برای هرکسی است که قرآن می‌خواند و بیشترین تشویق، جایزه و هدیه دادن است. بین این کف و سقف نباید از انواع و اقسام تشویق غافل شد. مهم‌ترین عامل جذب کودکان و نوجوانان تشویق است.

● **۱۰. زیباسازی فضای جلسه:** هر سلیقه و ذوقی که فضای جلسه را زیبا کند، مطلوب است مانند یک دسته‌گل مصنوعی در وسط جلسه یا مقابل قاری قرآن یا نوار تزئینی زیر رحلی یا حوله روی رحلی یا سوزاندن یک عود. آراستگی مربی هم از همین قبیل است.

● **۱۱. توسل و دعای قرآنی:** برای اینکه مخاطبان با حقیقت جدایی ناپذیر بودن قرآن و عترت مأنوس شوند، مناسب است در هر جلسه به گونه‌ای از اهل بیت علیهم‌السلام یاد کنیم مثلاً ثواب جلسه تلاوت را به یکی از حضرات تقدیم کنیم یا یک فراز از دعای توسل مربوط به یکی از معصومین را که با ایام تناسب دارد، در انتهای جلسه و قبل از دعای قرآنی با هم بخوانیم و دعای قرآنی بهتر است با لحن عربی و به زیبایی خوانده شود، دعا کردن و واسطه کردن قرآن، لذت بخش است.

● **۱۲. انتخاب یک نام مناسب و جذّاب برای جلسه و کانال:** مثل محفل قرآنی نور یا فرقان یا عاشقان قرآن یا اسم یکی از اهل بیت علیهم‌السلام.

قرآنی با محوریت مساجد و کانونه‌های فرهنگی راه‌اندازی شود. هم‌اکنون بسیاری از مردم، حتی متدینین، توانایی روحانی و روان‌خوانی را ندارند و این، برای مملکت اسلامی شیعی ناپسند است.

ب. شکل و قالب

عناصر ظاهری جلسه قرآن عبارتند از:

● **۱. رحل و قرآن:** به اندازه کافی و ترجیحاً با چاپ مناسب؛

● **۲. بلندگو:** نوجوانان و کودکان عموماً علاقه‌مند به خودنمایی و آبراز وجودند و استفاده از بلندگو، مشوّق خوبی برای حضور گرم‌تر آنان است.

● **۳. نشستن دایره‌وار و حلقه‌ای یا بیضوی:** در این نوع نشستن، همه افراد یکدیگر را می‌بینند و مانند آن است که اجتماع، حول محور قرآن تشکیل شده است. بهتر است در جلسه قرآن به صورت کلاسی و پشت سر هم نشینند.

● **۴. جایگاه:** نیازمند تهیه یک جایگاه مناسب جهت قرائت قرآن می‌باشیم. این جایگاه بهتر است چوبی باشد و اگر امکانات کافی نداریم به وسیله یک پتو جایگاه را برای اجرای تلاوت مناسب، کمی بلندتر از سطح زمین قرار دهیم.

● **۵. پذیرایی:** این مورد، مستحب مؤکد است! یک پذیرایی مختصر با کیک یا شیرینی یا شربت یا چای، موجب رفع خستگی و انگیزه‌آور است.

● **۶. زمان منظم:** جلسه حداقل نیم ساعت و حداکثر یک ساعت باشد. در ماه مبارک رمضان می‌شود روزانه باشد، اما در غیر آن، هفته‌ای یک شب کافی است. جلسه طولانی، خصوصاً برای کودک و نوجوان ملال‌آور است.



اگر کسی ده کلمه را غلط می خواند، تصحیح دو یا سه خطا کافی است و بیشتر باید کسی تشویق شود که بی غلط می خواند. (گرفتن همه اغلاط، تأثیر معکوس دارد و موجب طرد مخاطب می شود.)

ج. ساختار محتوایی جلسه قرآن

● ۱. جلسه قرآن با جلسات جزء خوانی مرسوم ماه مبارک رمضان، متفاوت است. در جلسات ماه رمضان معمولاً یک یا چند قاری باتجربه، اجزای قرآن را به صورت روزانه تلاوت می کنند. اما در جلسه قرآن معمولی، همه افراد داوطلب، به نوبت تلاوت می کنند. البته با توجه به محدودیت زمان، باید جلسه را مدیریت کرد. در جلسه قرآن تبلیغی علاوه بر مطالب متعارف جلسات ساده قرآنی که معمولاً درباره روخوانی و روان خوانی و تجوید است، معارف تفسیری و اشارات اخلاقی و احکامی آیات نیز می تواند بیان شود. در واقع جلسه قرآن یک مبلغ با جلسه قرآن یک مربی قرآن عادی، متفاوت است؛ در یک سهمیه بندی زمانی برای یک جلسه قرآنی تبلیغی، به نظر می رسد ۶۰ درصد زمان باید به عناصر محوری مانند بیان نکات روخوانی و روان خوانی و تصحیح خوانش ها اختصاص یابد، ۲۰ درصد به بیان مطالب و معارف دینی و ۲۰ درصد هم اجرای برنامه هایی مانند مسابقه و سرگرمی. این بودجه بندی در شرایط مختلف مناسبی می تواند تغییر کند، اما در هر حال این مهم است که جلسه از حالت محفل قرآنی خارج نشود و تبدیل به کلاس یا منبر یا جلسه همفکری و ... نشود؛ تلاوت قرآن، عنصر محوری است.

● ۲. برای محتوای روخوانی و روان خوانی، آثار متعددی در بازار موجود است که برای مبلغ مبتدی جهت اداره جلسه قرآن، تهیه یک کتاب از این دست و مطالعه کامل و دقیق آن، قبل از موسم تبلیغی لازم است؛ به این معنا که خودمان یک کتاب را فرابگیریم و از روی آن، مطالب روخوانی

و تجوید را تذکر دهیم و خوانش ها را تصحیح کنیم. اتکا به معلومات سابق و توانایی های اجمالی برای اداره مسائل آموزشی جلسه، کار صحیحی نیست.

● ۳. درباره محتوای غیرروان خوانی و تجوید، بهترین حالت، استفاده از آیاتی است که در همان جلسه خوانده می شود، لذا شاید نیاز باشد قبل از جلسه، آیه یا آیاتی را برای خود شکار کنیم و به یکی دو تا تفسیر مراجعه نماییم، اما این، الزامی نیست و هر محتوای تبلیغی که با بیان شیرین و جذاب ارائه شود زینت محفل قرآنی خواهد بود، چه عقاید باشد و چه اخلاق و چه احکام.

● ۴. معمولاً مربی در ابتدا آیاتی را خودش تلاوت می کند و سپس به نوبت، افراد می خوانند و اگر خطای قرائت داشتند، تصحیح می کند. باید سعی کرد همه را به خواندن واداشت و از هرکس به اندازه خودش توقع داشت.

اگر کسی ده کلمه را غلط می خواند، تصحیح دو یا سه خطا کافی است و بیشتر باید کسی تشویق شود که بی غلط می خواند. (گرفتن همه اغلاط، تأثیر معکوس دارد و موجب طرد مخاطب می شود.)

به هرکس به تناسب وضعیتش باید مشق و تمرین هم داد، مثلاً اگر کسی در روان خوانی مشکل دارد او را به ترتیل های روان و آرام مانند خُصری ارجاع می دهیم یا اگر در قرائت تحقیق نیاز به کمک دارد، می توان برخی تلاوت های مشهور اساتیدی چون مصطفی اسماعیل یا منشای یا عبدالباسط را به او معرفی کرد تا از اینترنت دریافت و بارها گوش کند و در جلسات بعد برای مخاطبان بخواند. برای این بخش می توانیم از دوستان وارد در امر تلاوت، کمک بگیریم.





● می‌گیرد و کانال جلسه می‌تواند سهم عمده‌ای در این باره ایفا کند. همچنین می‌توان مطالب مفید قرآنی و حدیثی دیگر را به تناوب و در ایامی که جلسه به هر دلیلی برگزار نمی‌شود، در کانال ارائه کرد و ارتباط را حفظ نمود.

● ۷. جلسه قرآن می‌تواند نقطه شروع فعالیت‌های فرهنگی در یک مسجد یا کانون باشد. در واقع اگر موفق شدیم یک جلسه قرآنی، اگرچه با تعداد کم اما مستمر و گرم تشکیل دهیم، خواهیم توانست در کنار آن، کلاس عقاید و احکام و اخلاق و سایر مهارت‌ها را نیز کم‌کم و به تدریج برگزار کنیم. همچنین لازم است در فعالیت‌های آموزشی منحصر نباشیم و حتماً برای فعالیت‌های تفریحی مانند اردوهای کوتاه، پارک، کوه، زیارتگاه‌ها و ... برنامه‌ریزی کنیم.

فعالیت‌های تفریحی از بهترین بسترها برای کار پرورشی و ایجاد رفاقت و صمیمیت سازنده با نوجوانان و جوانان است.

۸. نکته پایانی اینکه باید از هرگونه حاشیه و رفتار خلاف عرف و شرع جداً پرهیز کرد. مهم‌ترین دشمن هرگونه کار فرهنگی، رفتارهای آفت‌زا در روابط با مخاطبان ازسوی مربیان و برگزارکنندگان است.

● ۵. برگزاری مسابقه و ایجاد رقابت سالم درباره مطالب و معارف تبلیغی که در جلسه ارائه می‌شود، به تثبیت معلومات مخاطبان و تنوع و تلطیف فضا کمک می‌کند؛ البته باید با جایزه. اگرچه مختصر. همراه باشد.

مسابقه می‌تواند فی‌المجلس برگزار شود؛ یعنی در همان جلسه سوال، مطرح و در پایان جلسه به پاسخ صحیح یا پاسخ‌های صحیح به قید قرعه جایزه تعلق بگیرد. بهتر است پاسخ‌ها را مکتوب به شما بدهند و سؤالات، آموزنده و مفید انتخاب شوند. همچنین می‌توان سؤال را مطرح کرد و دریافت پاسخ را به جلسه آینده موکول کرد؛ اگر شیوه اول بود، سؤال آسان باشد، اما اگر شیوه دوم بود، می‌تواند کمی سخت‌تر و یا حتی طولانی‌تر باشد.

● ۶. در صورت تشکیل کانال مجازی، پس از هر جلسه، یک گزارش تصویری و محتوایی کوتاه و مختصر از جلسه در کانال قرار دهید؛ چند عکس، یک کلیپ کوتاه از یک تلاوت برگزیده، مطالبی که به عنوان مواد تبلیغی ارائه کرده‌اید و همچنین سؤال و پاسخ مسابقه. (البته اگر پاسخ مسابقه به جلسه بعدی موکول شده، طبعاً نباید بیان شود) از نقش تبلیغات برای جلسه نباید غافل شد. نسل امروز از تبلیغات، تأثیرپذیری فراوان





پبلسٹکس

پیام رمضان

آب اللہ کورجھوڑی



گروه تحقیق و پژوهش های اسلامی

۰۲۵ - ۳۷۷۲۴۷۶۸